

کردستان قهرمان همچنان پرچم سرخ و خونین انقلاب را برافراشته نگه داشته است. ارتجاع زبونانه میکوشد با بمباران شهرها و روستاها این خلق قهرمان را به زانودرآورد اما خلق کرد فریاد میکشد: «هرخانه مان یک سنگری، هر دستمان هسلساسی هر قلبمان نارنجکی، اگر همه کشته شویم، خلق سلاح نمیشویم»

یورش به کردستان با تاکتیکهای نوین

● نگاهی به تاکتیکهای سیاسی - نظامی هیئت حاکمه در کردستان

هموطنان مبارزان! حدود سه هفته است که کردستان تهران در مقابل تهاجم همه جانبه پادشاهان و ارتش ضد خلقی که از زمین و هوا صورت میگردد لبرانشه مقاومت میکند. نه خمپاره ها تا ۲۴ ساعت بر شهرها می بارد، نه گلوله های توپخانه که بمباران خانه های مردم فرود می آید و نه حتی بمباران فاشیستی آمریکا که هیچکدام نتوانسته است مقاومت دادنه خلق کرد و



● ارتش و پادشاهان خانه و کارخانه آنها را با بمبهای آمریکایی درهم کوبیده اند. اما خلق کرد مملکت آنها را محکمتر از دهنه قیل بسازد و از آن بعنوان سنگری در برابر تهاجم ارتجاع استفاده کند!

بیشتر که های قهرمان خلق را درهم شکند. این حملات جنایتکارانه که بدستور هیئت حاکمه و بدست فرماندهان می گذرد، صورت می گیرد، با وجود اینکه تاکنون هزاران زخمی و صدها کشته از خلق کرد قربانی گرفته بقیه در صفحه ۱۹

جامعه ما به کدام سو می رود؟

● بورژوازی ایران تنها راه «نجات» خود را در «جنگ داخلی» ورود زور و قرارداد ن خلق در مقابل یکدیگر یافته است

کشور ما شرایط حساسی را از سر میگذراند. حملات اساسی این شرایط شدت گیری روزافزون بحران سیاسی درجا معاست، عملکردها من گرفتار انبوهی از تضادهای اجتماعی و سیاسی داخلی و خارجی در آن واحد و بیوستگی آنها به یکدیگر و بدین ترتیب و پیچیده ای را برجا صدمه تحمیل کرده است. روند مبارزه طبقاتی و ملی میان طبقات زیر دست و پادشاهان، دست و پا میزند و درگیریهای جناحی مختلف هیئت حاکمه کسرتش نوظهور است. آمریکا و متحدین اروپا شش بر علیه خلقهای ایران و تندیس حرکات تهاجمی و کارخانه آن، شدت بحران سیاسی میان دولت آمریکا و ایران، افزایش بحران سیاسی میان ایران و عراق، و... خلقهای متعددی در سراسر تضادهای هستند که با هم در مسیر پرشتاب بسنگ بحران همه جانبه سیاسی و اجتماعی بدین سیراند. دریا همه هیئت و عملکرد هر یک از این تضادها در گذشته سخن گفته ایم. اکنون میخواهیم بدانیم که بقیه در صفحه ۱۱

اول ماه مه در شهرستانها چگونه برگزار شد؟

● گزارشی از شهرستانها: مسجد سلیمان، شیراز، قائمشهر، قزوین، آبادان، اهواز، محمودآباد، هشتگرد

صفحه ۵ و ۶

پیروزی سوسیالیسم بر فاشیسم هیتلری (۱)

۸ ماهه ۱۹۴۵ فاشیسم هیتلری بطور کامل شکست خورد. این شکست پیروزی عظیم خلقها و پرولتاریای جهان و سوسیالیسم بود. این شکست پس از ۳۵ سال از شکست تاریخی فاشیسم، ما به افتخار پیروزی سوسیالیسم به درج مقاله ای در این زمینه می پردازیم:

با سقوط برلین در ۲ مه ۱۹۴۵ توسط ارتش سرخ شوروی و تسلیم آلمان هیتلری در ۸ مه همان سال عملا قوای جنبه نیروهای فاشیست درهم شکست و جنگ بقیه در صفحه ۱۰

حمله به شوراها و تصفیه کارگران مبارز را با افشاکری و مقاومت متحدانه خنثی کنیم! صفحه ۳

«شنبه های کمونیستی» سنتی ارجمند در جنبش انقلابی طبقه کارگر صفحه ۹

اعدام به جرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان

آخرین نامه های رفیق شهید احمدیوف در آستانه اعدام

صفحه ۲۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

محاصره اقتصادی کردستان اقدامی جدید علیه خلق کرد هموطنان مبارز!

بیش از دو هفته است که خلق دلاور کرد، سوسله توپ و تانک و بمباران ارتش و پاسداران، در شهرها و روستاها به خاک و خون کشیده شده است. بهانه رژیم جمهوری اسلامی این است که خلق کرد مانع از حرکت قوای مسلح دولتی بطرف مرزهاست، اما این دروغی بیش نیست بلکه هدف سرکوب و کشتار خلقی است که خواستار خودبخودی درجه‌ای و چوب‌ای برانی مستقل و آزادی باشد، اما پاسداران و گلوله‌باران شهرها و روستاها توسط ارتش و سپاه پاسداران نتوانسته است اراده مردم قهرمان کردستان را درهم شکنند و اینک توطئه‌ای جدید آغاز شده است:

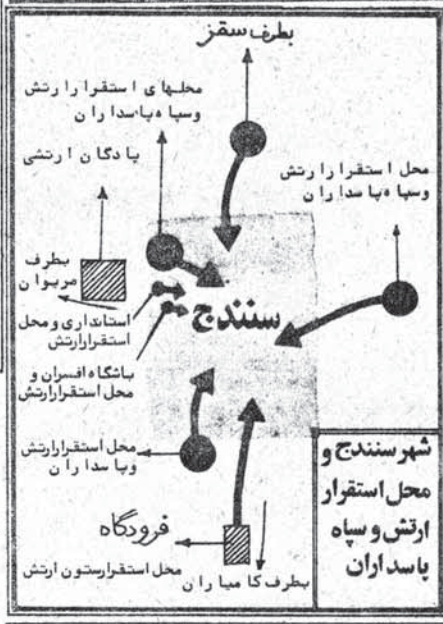
محاصره اقتصادی:

آری رژیم جمهوری اسلامی راه‌های اصلی و ماشین روراسته و مانع از ورود غنای دارو و مواد سوختی (نفت و بنزین و...) به کردستان میشود. و این درحالی است که هزاران مجروح که در اثر خمپاره‌ها و گلوله‌باران و بمباران ارتش ضد خلقی و پاسداران مجروح شده اند شدیداً احتیاج به دارو دارند و این درحالیست که کودکان به شیر خشک نیاز دارند. آری این است معنای جنگ با رژیم عراق! و این است "عدل" جمهوری اسلامی! راه‌های اصلی طبق نقشه کنترل میشود (علامت * محل ورود و کنترل جاده‌هاست) و همانا منظور که ملاحظه می‌کنید راه قروه به سنندج و کامیاران به سنندج، بیجا ربه دیواندره، میاندوآب به بوکان، بیجا شهر به میاباد، یعنی کلیه راه‌های ماشین رو و اصلی توسط پاسداران کنترل و زور و مواد غذایی، دارو و مواد سوختی جلوگیری میشود.

دست ارتش و پاسداران از کردستان کوتاه!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۱۸

سری ۰ ب ش ۵۵۰



توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارز! رفقا!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانیه‌ها توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتواند بدست ما برساند.
برای اطمینان از اینکه کمکها بتوان توسط سازمان دریافت شده، عددی یک رقمی، یا دو رقمی و یا سه رقمی (حداکثر سه رقمی) به دلخواه دستورالعمل "کد" انتخاب کرده و همراهِ حرف اول نام خود به دریافت کننده، کمک مالی بدهید.
سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ یا ۱۰۰ یا ۱۰ (عدد ۱۰۰۰ برای "کد" یک رقمی، ۱۰۰ برای دو رقمی و ۱۰ برای سه رقمی) ضرب کرده و حاصل آن را به مبلغی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همسراهِ با حرف اول نام شما در نشیبه "پیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن می‌شوید که کمک مالی‌تان در اختیار سازمان قرار گرفته است.
مثلاً اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" انتخابی ۵۸ و حرف اول نام شما "س" باشد در صورتیکه کمکهای مالی دریافت شده (۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

۵۸ x ۱۰۰ = ۵۸۰۰
۲۵۰۰۰ + ۵۸۰۰ = ۳۰۸۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

آ	۱۰۵۰۰	م	۳۳۰۰	س	۸۳۲۰	ن	۶۲۰۰
ح	۱۳۰۰۰	م	۴۱۰۰	ص	۱۵۰۰۰	ن	۶۲۰۰
د	۶۲۴۰	ن	۹۷۰۰	ط	۵۵۰۰	و	۲۱۲۰
ر	۶۲۰۰	ن	۵۶۰۰	ف	۵۰۱۰	ه	۷۴۰۰
س	۹۲۸۰	ن	۶۲۰۰	ق	۱۱۴۷۰		

۱۷۳۰۰۰ ریال، اتحادیه دانشجویان ایرانی در ایلام و سوسه

شلاش‌های امپریالیسم جهانی است که وقتی پیروزی جنبش انقلابی خلقها، بصورت قطعی درآمد، برای حفظ به اصطلاح آبروی جهانی خود و برای پوئان شدن شکست خویش بشکلی "رسمی" و قانونی "می‌خواهد" خروج از آن کشور را توجیه کند، و جنبش شیوه‌ها را به خلقها تحمیل می‌نماید.
بنابراین منظور از عبارت "بهر طریق" - همان - طور که مواضع سازمان همواره نشان داده است - بهیچ وجه تا شدیداً رسالت امتزگه‌رویز بیرون‌بستگی برای کسب قدرت سیاسی مطرح کرده اند نمیباشد.
۳ - حملات آخرفعاله در مورد امکان "تحکیم" حاکمیت کارگران و زحمتکشان "صرفاً با فرض صاف" - کسب بودن نیروهای انقلابی رهبری کننده جنبش درست است، امری که در مورد رهبری جنبش زیمیا یوه نیز از مندمت تحقیق می‌باشد.
در بیان لازم می‌دانیم متذکر شویم که مقاله مزبور مجرای اصولی سازمانی خود را برای برخورد دیگر رفقای مسئول طی نگردیده و از این لحاظ هیئت تحریریه خود را قابل انتقاد می‌داند.
"هیئت تحریریه پیکار"

هموطنان مبارز! رفقای گرمی!
کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتواند بدست ما برسانید

و غیر مسئولانه بوده است، در عین حال در اینکه این نیروها تاکنون انقلابی و دموکرات بوده اند، شکی نداریم.
۲ - در مقاله مزبور گفته شده است "آنچه مسلم است اینست که رژیمهای وارث خرابیهای گذشته که پس از یک دوره از مبارزات انقلابی توده‌ها، بهر طریق، سرکار می‌آیند..." مقصود از عبارت "بهر طریق"، شکل بدست گرفتن قدرت سیاسی، "پس از یک دوره از مبارزات انقلابی توده‌ها" (که در زیمیا یوه مشخصاً پس از ۷ سال جنگ مسلحانه انقلابی بوده است) در دو دسته زکطورهای می‌باشد، برخی مثل یمن دموکراتیک و بعضی از کشورهای آفریقا، انقلابیون پس از جنگ توده‌ای، بدون انتخابات و رفتار دوم قدرت را بدست گرفتند، در صورتیکه در زیمیا یوه انتخابات هم برقرار شد و در لجزا بر رفتار دومند، با بدگفت این رفتار دومها با انتخابات، در واقع بی‌تکرارترین

توضیحی درباره مقاله زیمیا یوه

در مقاله مربوط به "پیروزی خلق زیمیا یوه" (پیکار ۵۳) در نحوه ارزیابی مسائل مربوط به جنبش انقلابی خلق زیمیا یوه انگالانی وجود داشت که آنرا لازم به توضیح می‌دانیم:
۱ - مقاله، در باره دوندنیروی جنبه مین پوستان (را نورا یو) گفته است که "این دوندنیروها رکیبست هستند". اینگونه آبا آنها با رکیبست هستند یا نه، مینتی بودیرو اطلاعاتی که در تماس با نمایندگان هر دوندنیرو بدست آمده بود، علاوه بر این برخی از تشریفات جنبش کمونیستی جهان نیز حداقل ادعای مارکسیست بودن آنها را تا کنون نکرده اند.
اما با توجه به عدم اطلاعات لازم از خط مشی و سیراها، این نیروها اطلاق "مارکسیست" به این دو نیرو صرفاً بنا بر ادعای خودشان، عملی تا صحیح بنروا نیست.

جنبش کارگری



اخراج کارگران مبارز کاشی ایران

روزیکنشبه ۲ اردیبهشت ۹ نفر از کارکنان مبارز کارخانه تاج اصفهان با توطئه کارفرما و شورای ضدکارگری این کارخانه اخراج شدند. کارفرمای این کارخانه با رها بکنک عوامش کوشیده بود تا در مقابل افشای گریه‌های کارگران مبارز آگاه شدن کارگران سدی ایجاد کند، اما موفق نشده بود. مثلاً از آنجا که کارگران هر روز پس از نمازها برای بجهت دریا می‌رفتند و مسائل صنفی و سیاسی به مسجد کارخانه می‌رفتند، کارفرما بوسیله شورای ضدکارگری کارخانه سعی کرد که مسجد را تعطیل کند، اما بعلت اعتراض شدید کارگران عقب نشینی نمود. او حتی یکبار میخواست که با کم کردن نسیم ساعت از وقت کار، عملاً امکان مسجد رفتن و بحث کردن را از کارگران بگیرد که با مخالفت شدید آنها روبرو شد. آخرین خیلکه کارفرما و عوامش این بود که بگروزی قبل از اخراج کارکنان مبارز از "صحف" استناد را بیاوردند، اما این سرما به داد نرسید و دعوت کردند تا به بیانه سخنرانی دربار مجلس علیه نیروهای انقلابی سپاسی کند. "صحف" در سخنان ضمن تحریک کارگران علیه نیروهای انقلابی از شورای ضدکارگری کارخانه هم دفاع کرد. روز بعد، قبل از پایان ساعت کار شیفست اول، عده‌ای از کارگران ناآگاه و تحریک شده، شیفست دوم در حالیکه از طرف عوام مل کارفرما رهبری میشدند، "الله اکبر" گویان در کارخانه راه افتادند و هنگام عبور از قسمتهای مختلف کارگران و کارمندان مبارز آنرا که از قبل شناسائی شده بودند از میان دیگران جدا کردند و بدین ترتیب ۹ نفر از کارکنان مبارز این کارخانه اخراج شدند. گفته میشود که تعداد دیگری نیز در لیست هستند در فرصتی دیگر اخراج شوند.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

اخراج کارکنان مبارز جزئی از برنامه‌های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۹ است. سیاست ویرانه‌های کارگران و دبیلیم‌های سبک‌رو با خاک و خون میکشد، زحمتکشان کردستان را بوسیله فاشیسمهای آمریکا شی میباران میکنند، دانشجویان مبارزان انقلابی را بدست با سدا ران و چماق‌داران خود کشتار می‌کنند... بکوشیم با اتحاد دوستانه و یکپارچه خود سیاست‌های ضدکارگری رژیم را برای اخراج و سرکوب کارگران و کارکنان مبارز خنثی کرده و متحداً بکوشیم با زکشت دوستان اخراجی خود که از خواستها و مینافع کارگران دفاع می‌نمایند اقدام کنیم.



حمله به شوراهای و تصفیه کارگران مبارز را با افشاکاری و

مقاومت متحدانه خنثی کنیم!

از حمله کنندگان
- سعی در ایجاد درگیری با کارگران و به تشنج کشیدن کارخانه توسط حمله کنندگان.
- مهروموم کردن اسناد و مدارک شورا و سپردن آنها به نگهبانی (حفاظت)، حفاظتی که همان حفاظت زمان شاه و دست پرورده سبکسنگین فراری میباشند.
- ضبط پرونده‌های کمیته‌های گساری که تا کنون اقدام به خلب فولادین، سبکسنگین و تعقیب توتونجی و افشای دزدیهای مدیران و... کرده است.
- عوام فریبی و اینکه چرا شورا خواستنا ره ۱۵۰ تومان سود ویژه کارگران است و دولت را تحت فشار قرار داده (از نظر آنها سود ویژه قسمتی از مزد کارگران نیست بلکه سرما تبه‌دار دولت است) از اجیب خودشان می‌دهد!
- و بالاخره حمله آنها به میرکنا بفرستی مجاهدین خلق در موقع نمازها روز چهارشنبه.
شیوه عمل آنها نشان داد که حاضرند حتی بسه تهدیدها قووا بجا تشنج هم کشند به هدفهای شوم خود دست بیایند. چرا که پیش کارگران شناسخته شده‌اند و دیگر نمی‌توانند از طریق انتخابات و... به هدفهای خود برسند. اینست که به فحش و جافو حمله متوسل می‌شوند.

هدف آنها این بوده که با انجلال شورا و با سرکار آوردن نمایندگان از قماش نمایندگان زمان شاه امنیت "سرما" به "رافرا" هم بزنند. اما آنها کسور خوانده‌اند. چرا که آنها رشداکاهی و مبارزات توده‌ها را نمی‌بینند. آنها نمی‌بینند که کارگران همین ما در دریا مبارزات قهرمانانه خود به چه درجه‌ای از آگاهیه و تشکل رسیده‌اند و دیگر نمی‌توان سبکسنگین طبع کارگر میهن ما اکنون با کشتار اشکال مبارزاتی خود بر علیه نظام مپوسیده سرما بسه داری و ایستادگی و اتحاد و همبستگی روزافزون خود مبرودتا در راه جنبش خلق فرار گیرند.
کارگران مبارز آگاه!

ما هیت ارتجاعی و ضدکارگری حمله به شورا را برای کارگران ناآگاه افتاء ما زید نشان دهد که این حمله حلقه‌ای است از زنجیر حمله به کارگران. زحمتکشان و نیروهای انقلابی.
شورا با بدتر اتحاد همه کارگران و اقلیات را بقیه در صفحه ۴

بدنحال حمله عوام مزدور و وابستگان رژیم سابق (که اینک "انقلابی" شده و در خدمت رژیم جمهوری اسلامی درآمده‌اند) به جلسه شورای کارخانه تراکتور سازی که با تحریک عده‌ای از کارگران ناآگاه انجام گرفت، کمیته آذربایجان سازمان در این رابطه اعلامیه‌ای بتاريخ ۵/۲/۵۹ منتشر کرده که در زیر مستهملی از آنرا ملاحظه می‌کنید:

کارگران، زحمتکشان، توده‌های انقلابی!

همچنانکه میدانید هیئت حاکمه همزمان با یورش مجدد به کردستان، حمله به صفوف کارگران سبک‌ر و گشتار آنها در "درد" و "اندیمشک"، هجوم به کارخانجات و دستگیری کارگران مبارز طی یک برنامه حساب شده دستور داده است. این سبکسنگین آزادی و مبارزه‌ها مبریا لبستی بهر قیمت ولو با کشتار و خشکانده دانشجویان اشغال و تصرف شود.

هدف رژیم از این حمله سرسری به کارگران، زحمتکشان و دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی... در واقع تا من امنیت "سرما" به "جولوگیری ازنا" بودی نظام مپوسیده سرما به داری و ایستادگی کارگران و زحمتکشان است.

حمله به شورای کارکنان تراکتور سازی در دوم اردیبهشت همزمان با حمله به دانشگاهها حلقه‌ای از زنجیر توطئه بر علیه کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی است. در این روز عوام مزدور و خود فروخته رژیم سابق با تحریک عده‌ای از کارگران ناآگاه به جلسه شورا حمله کرده و اعما شورا را تهدید و فحش بیرون ریخته و اسناد و مدارک شورا را مهروموم کرده به نگهبانی تحویل می‌دهند.

شناسائی عوام مل مخرب و جریان حمله ما هیئت توطئه را در جلو چشم کارگران آشکار می‌سازد:

- فعال ندن نمایندگان فرما بینی زمان شاه (۱)
- حمایت گانون فرهنگ اسلامی، جهاد سار زندگی و گانون میهنسین اسلامی که از طرف استا سدا ر حمایت می‌شوند از حمله به شورا.
- آمدن ۶ نفر با سدا ر قبل از حمله و حمایت آنها

(۲) - دوش از رهبران مبارزین مبارز رشدا ز سعید فرقا نیان از فعالین حزب "فرانگیز" رسنا خیسزو قوی فکرا زما جان رژیم شاه و عوضعلی کانسون فرهنگ اسلامی.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳

حمله...

جلو چشم کارگران قرار دهنتا کارگران قضاوت نهائی را انجام دهند .

کارگران باید با محکم کردن شورای خود - از طریق انتخاب کارگران مبارز و تنظیمه شورا و با اتحاد با شورا های واقعی دیگر - نگذارند این توطئه ها به ثمر برسد ، زیرا شورا ئی که متشکل از نمایندگان واقعی کارگران نباشد ، از جان و دل مورد حمایت همه کارگران است و دیگر با دگی نمیتواند در مقابل چشم کارگران مورد حمله قرار داد .

کارگران ، زحمتکشان ، توده های مبارز !

با افشای حمله ارتجاعی به شورای تراسنویسای و با پشتیبانی از مبارزه کارگران تراسنویسای و با اتحاد و همبستگی ما آنها این توطئه را نقش بر آب کنید .

شورا های واقعی را تشکیل دهید و با جان و دل از آنها دفاع کنید !

برقرار باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان !
مرکز برای میریاب لیسمم و ارتجاع !



در رابطه با حمله مذکور در تاریخ ۵۹/۲/۶ کارکنان پروژه ، ریختهگری در مجمع عمومی خود طی قطعنامه - ای عمل مذکور را نه تنها مرحله کننده را به شورا محکوم می کنند .

در قسمتی از قطعنامه آنها می خوانیم :

" ما کارکنان پروژه ریختهگری صریحاً اعلام می - کنیم :

۱ - حمله به شورا را که از اهداف انقلابی است شدیداً محکوم می کنیم .

۲ - عاملین حمله به شورای مرکزی کارخانه تراکتور سازی باید از طرف آن شورا به اطلاع عموم کارکنان برسد .

۳ - حمله مهاجمین به اطاق هیئت تحقیق و پاکسازی و شکستن در آن نشانگر روش وحشیانه آریا مهری است و شدیداً محکوم میشود و عاملین را جز مصالح ساواک و طرفداران مدیریت اسبق نمیدانیم .

همچنین قسمتهای طرح و توسعه ساخت تراکتور ، پروژه ، موتور ، پروژه ، آهنگری و ... نیز طی قطع - نامه ها طی حمله مذکور محکوم می نمایند .

افشای واقعی و عکس العملها ی کارگران مهاجمین را تحت فشار قرار داده و موجب میشود که با بگا ه آنها در کارخانه سرعت کم شود . از اینرو آنها هم از طریق مجامع مختلف شورا را منهدم کرده و برای اخراج کارگران مبارز زمینه جینی می نمایند . مثلاً در رئیس مجمع تصفیه کارگران مبارز مطرح می گردد تا مردم را علیه آنها تهییج کنند .



روزه شنبه ۵۹/۲/۹ از طرف شورای کارخانه ماشین سازی برای کارکنان مجمع عمومی گذاشته میشود تا در مورد روز جهانی کارگرو ... صحبت شود . در این مجمع بین از سخنان اعضا شورا یکی از کارگران پیرو خط امام پشت میکروفون رفته و علیه شورا سخنرانی می کند ، اما فقط عده معدودی حرفهای او

کاران افشا نمی کنند و شورای ماشین سازی با وجود پشتیبانی کارگران از آن در برابر حملاتی که به او میشود و توطئه های که علیه او انجام می گیرد ، عکس - العمل مناسب نشان نمی دهد .

در حالی که حمله کنندگان می گویند در نا استفاده از امکان نشان علیه کارگران مبارز تبلیغ کنند شورا و کارگران آگاه برای رساندن حقایق بگوش سایر کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز فعالیت قابل ملاحظه ای نداشتند ، در صورتیکه افشای و جلب حمایت دیگر کارگران و زحمتکشان زمینه توطئه را علیه کارگران مبارز بسیار محدودتری نماید .

را تا شنید می نمایند . کارکنان پیرو خط امام که وابسته به کمیته امام (ابن کمیته) اکنون منحل شده است ، بودند به بهانه های مختلف سعی می کنند شورای ماشین سازی را منحل نمایند . این عده با انتشار اطلاعاتی بی اساسی برای سرخوردن شورا را دعوت از روحانیون برای سخنرانی مرتب شورا را محکوم کرده و از تصفیه کارگران مبارز صحبت میکنند . نکته ای که در اینجا باید اشاره شود ، اینست که عکس العمل هر دو شورا (شورای تراسنویسای و شورای ماشین سازی) در برابر حملات مذکور منفعلانه بود . مثلاً شورای تراسنویسای مسئله حمله و عاملین آن را برای کار -

اخراج کارگران و کارکنان مبارز جزئی از سیاستهای سرکوبگرانه رژیم درسال «امنیت»

بدینال اعتبار روز ۵۸/۱۲/۱۵ کارگران کاشی ایران را و توطئه مشترک مدیر کارخانه و پاداران که منجر به شکست موقتی حرکت کارگران گردید ، (جرمان) اعتصاب در شبک ۴۷ جاب شده است (رژیم جمهوری اسلامی برای اخراج کارگران آگاه و مبارزان - آگاه می سایر کارگران استفاده کرده و لیستی از اسامی فعالین اعتصاب تدوین نمود و آنرا جهت امضا در بین کارگران بخش می کند .

علیرغم مقاومت بیش از نیمه از کارگران از امضا لیست مذکور ، مدیر کارخانه به کمک سرپرست قسمت ها موفق به جمع آوری تعدادی امضا در تاریخ اخراج کارگران پیرو شده و بدین ترتیب ۱۷ نفر دیگر به ۶ نفر کارگری که حدود یکماه و نیم پیش از آن اخراج شده بودند اضافه گردید و اخراجشان قطعی می شود ، در سرخوردن های مختلفی که کارگران اخراجی با مقامات دولتی داشتند (در وزارت کار ، در سیاه پاداران ، با مدیر کارخانه و ...) آنها بیشتر مانع ادعای می کنند که این کارگران کارخانه هستند که با بازگشت آنها به سرکار مخالفت می نمایند . بنا وجودیکه از ۱۶۷ نفر کارگر این کارخانه تنها حدود

استقلال و آزادی تمامی خلقهای ایران از قید ستم ملی و طبقاتی تنها در گرو رهبری طبقه کارگر است



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بزرگداشت روز همبستگی کارگران جهان در شهرهای مختلف کشور

● مسجد سلیمان

نمایش همبستگی کارگران با یک راهپیمایی و میتینگ که بدعوت "کمیته مشترک بزرگوارکننده اول ماه مه ترتیب یافته بود برگزار شد. راهپیمایان در صفوفی منظم و باشکوهی گردهم آمدند و با شعارها و آوازها و نواها و ترانه‌ها و سرودها و ترانه‌های خود را با شور و هیجان فراوان از کشتار و وحشیانه ای که رژیم در کردستان و استانها برپا کرده است شعارهای رادیکال و انقلابی دلاورانه و محکوم نمودن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم فریاد نمودند. استقبال گرم مردم رنظا هرکسندگان حاکی از همبستگی دردی آنها با خلق کرد و موضعگیری آنان در تجمیل هیئت حاکمه بود.

"کمیته مشترک" در آداب و آیینها و مراسم محلیه کارگری و جنبش نفوس همبستگی برپا نمودند. هواداران سازمان رزمندگان آزادی طلبه کارگران و رزمندگان بیگانه در راه آزادی طلبه کارگران و رزمندگان و رزمندگان کمان محمد سلیمان دعوت کرده بودند تا شرکت در این میتینگ عظیم خود را هر چه وسیعتر و قویتر در دست نمایند. در این میتینگ دوتی از کارگران صنعت نفت و ایران کارسختی نمودند و حدیث شعر توسط کارگران خوانده شد و سپس بیانی از طرف کارگران کارخانه‌های محمد سلیمان (کارگران مبارز شرکت نفت، بزرگسازان، ایران کار، سیوال، سیمان، شرکت نفت، کوره‌ها، شهرک‌ها، شهرداری، زمینشناسی و...) قرائت گردید. در این مراسم ضمن اشاره به تاریخچه روز همبستگی کارگران جهان، از طبقه کارگران ایران دعوت شده بودند تا صفوف خود را هر چه مسئله متشکل تر نمودند تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به مبارزات خود ادامه دهند.

● شیراز

استاد سوم حضرت زهرا ی شیراز تا حد مراسم روز اول ماه مه بود که از طرف کمیته کارگران برگزار کننده جشن تدارک دیده شده بود. در این مراسم ابتدا یک نفر از کارگران در مورد تاریخ جنبش کارگری سخنرانی ایراد نمود و سپس شعاری از جمله "شعر کردستان با راهی از وطن من است" خوانده شد. زن زحمتکش از سنی که سوزان سرود از مبارزاتی که آنها دوش مردان در جهت محو استعمار و فردا ز فردا می‌دهند، سخن راند. شعارهایی که در فواصل سخنرانی از طرف جمعیت داده می‌شد، حکایت از اعتراض بی‌شماره ای بود که هم اکنون در کردستان می‌گذرد و در استانها گشت.

در پایان این مراسم قطعه‌ای با ۲۷ خواننده قرائت گردید. این مراسم مصون از تعرض دسته‌های چابوکش و جماد جمهوری اسلامی نما تندووشن از حاضرین بوسه‌ها که رد زخمی شدند.

● قائمشهر

بدعوت "کمیته بزرگوارکننده راهپیمایی اول ماه مه - قائمشهر" متشکل از هواداران سازمان رزمندگان آزادی طلبه کارگران و رزمندگان و رزمندگان کمان محمد سلیمان دعوت کرده بودند تا شرکت در این میتینگ عظیم خود را هر چه وسیعتر و قویتر در دست نمایند. در این میتینگ دوتی از کارگران صنعت نفت و ایران کارسختی نمودند و حدیث شعر توسط کارگران خوانده شد و سپس بیانی از طرف کارگران کارخانه‌های محمد سلیمان (کارگران مبارز شرکت نفت، بزرگسازان، ایران کار، سیوال، سیمان، شرکت نفت، کوره‌ها، شهرک‌ها، شهرداری، زمینشناسی و...) قرائت گردید. در این مراسم ضمن اشاره به تاریخچه روز همبستگی کارگران جهان، از طبقه کارگران ایران دعوت شده بودند تا صفوف خود را هر چه مسئله متشکل تر نمودند تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به مبارزات خود ادامه دهند.

تا بود ساختن سرمایه‌داری به افشای جنایات رژیم در استانها و بویژه کردستان قهرمان برداختند. آنها شعاری دادند: "کشتار در کردستان، کشتار در استانها - توطئه آمریکا، توطئه رنجاج "در طسول راهپیمایی اعلامیه‌های زیادی در افشای سیاستهای کثونی حکومت از طریق بلندگو قرائت گردید.

ضمن بیان است بزرگداشت اول ماه مه به استانها و هیئتی متعددی از زندگی و مبارزات کارگران از سوی هواداران سازمان بیگانه در راه آزادی طلبه کارگران در شهرهای مختلف استان ما زندگان سیمان گداشته شد.

● قزوین

صبح روز ۵۹/۲/۱۱ مراسم شکرایی در یکی از محلات کارگری قزوین بنام "هادی آباد" به دعوت کمیته کارگری جشن روز جهانی کارگر برگزار شد. ابتدا یکی از کارگران از اخراجی قزوین در سبزه توطئه‌های رژیم در مورد اخراج کارگران مبارز به افشای برداخت. سپس کارگری ضمن توضیح علل بیکاری و گرانایی این دو مشکل بزرگ جامعه کثونی، نظام سرمایه‌داری را به محاکمه کشید. جمعیت با شعارهایی در مورد لزوم اتحاد دو همبستگی کارگری-ان افشای توطئه‌های امپریالیسم، خشم و نفرت خود را از نظام مظلومانه سرمایه‌داری سیمان گداشته شد. به سوزنده‌نمایی زحمتکش با خواندن سرودهای انقلابی شورخامی به مراسم بخشیده بودند.

● آبادان

روزبیم المللی کارگران در این شهر، با شکر و عظمت خاصی برگزار شد. از چند روز قبل "سندیکای کارگران پروژه‌ای" ضمن صدور اعلامیه‌ای از عموم اهالی شهر و سبزه‌های انقلابی برای شرکت در یک راهپیمایی دعوت بعمل آورده بود. به همین مناسبت "سازمان بیگانه در راه آزادی طلبه کارگر" - آبادان سبزی اعلامیه‌ای مورخ ۵۹/۲/۹ ضمن پشتیبانی از

این مراسم مردم مبارز آبادان را بشکرک در این راهپیمایی فرا خوانده بود.

ساعت ۹ صبح روز اول ماه مه جمعیت دهها هزار نفری همراه با پلاکاردهای متعددی در مقابل سندیکا گردهم آمد و آوازها را هیمنه‌ای نمودند. قریباً "اتحاد، اتحاد، زحمتکش اتحاد، علمیه میرالیم" شهرآبادان را بلرزده در آورده بود. سبیل جمعیت که همچون رود خروشان از محله‌های کارگری شهر میگذشت مورد استقبال گرم مردمی که از خانه‌ها بیرون آمدند بود. تدارکات و مکرر، سرخی از پلاکاردهای بی شماری که حمل میشدند نوشته شده بود:

"نه سازش، نه تسلیم، نه دریا آمریکا"، "حمله به دانتگاهها، حمله به انقلاب است"، "کشتار فاجعه آمیز دانشجویان را در دانتگاهها محکوم می کنیم".

همچنین پلاکاردهای متعددی نیز از طرف پرسنل انقلابی ارتش حمل میشد که برخی از آنها چنین بود: "فرماندهان ارتش تجار جنگی آمریکا دروینت نام را در کردستان بکار می‌گیرند". سبیل امیرالیم چنانکه از آمریکا و رژیم فاشستی عراق بیگانه‌ی بیرون خوانده می‌گردید فرصت بود خوشی به سیمان را تا هفتای و سرکوبگران ارتش نخواهیم داد و...

از آنجا که رنجاج ارسال جمعیت و شعارهای آگاهان به نفع خود را برپا داده بود. جماد را نشانی را روانه میدان نمود. اگر چه آنها توانستند نظم راهپیمایی را چند لحظه ای بهم بزنند ولی سبیل خروشان جمعیت این طفیلی‌ها را چون برکاهی از سر راه خود روید و بر او خود ادامه داد. راهپیمایان در مسیر خود در مقابل سیمان رکن آبادان توقف کرده و به یاد قربانیان فاجعه آتش سوزی سیمان رکن، یک دقیقه سکوت اعلام کردند و هم‌دردی و پشتیبانی خود را از خانواده‌های شهیدان برای افشای پرونده این جنایت در آنجا متضمن شده‌اند. اعلام نمودند.

هنگام قرائت قطعه‌ای راهپیمایی توسط یکی



زحمتکش بلوچ روز همبستگی کارگران جهان را در شهرهای ایران و شهرزادان با شکر و تمام برگزار کردند. تصویر فوق گونه‌ای از راهپیمایی زحمتکش بلوچ را در ابراهیم‌شهر نشان می‌دهد.



هشترود

بدعت هوا داران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با شرکت عده کثیری از زحمتکشان هشترود راه - پیما شی اول ماه مه برگزار شد، در مسیر راه پیما شی که سرود اتحاد - اتحاد - وطنین آنداز بود، هر لحظه به تعداد راه پیما یان افزوده میشد. راه پیما - یان شامی دادند: "دولت سرمایه - دار دشمن نوع بشر، درود بریزگر متحمذ کارگر" ، "نسان، مسکن، آزادی، شاعر زحمتکشان است" و...

آن سخن گفت و سپس به فضای دولت حامی سرمایه داران برداخت که خود را بدروغ حامی کارگران معرفی می- کند. در این مراسم پیما شی از طرف دانش آموزان هوا داران زمان منظور پیشینانی از مبارزات عادی - لانه کارگران و زحمتکشان قرائت گردید.

آنها با شعار "کرد، عرب، ترکمن دشمن امیر - با لیسیم - سرکوبگران خلقها نوکرا میربا لیسیم" خشم و نفرت خود را از گشتاری که روزیم در کردستان بسراه انداخته است نشان می دادند. در پایان راه پیما شی یکی از زحمتکشان شهرا زروزجهانی کارگرو تاربخچه

از کارگران، جماعت داران و اوباش با میله، چاقو و زنجیر به صف راه پیما یان حمله ور شده و در درگیری که رخ داده ای مجروح گشتند.

همپینگ در سیدنی

ساعت ۵ بعد از ظهر نیز همپینگ از طرف کارگر - ان برگزار شد که همچون راه پیما شی صبح با استقبال وسیعی روبرو گشت. کارگران ضمن ایراد سخنرانیها و شعر خوانی و سرود، به افشای هیئت حاکمه پرداخته و نفرت خود را از سرکوب کردستان و دانشگاهها ابراز داشتند.

اهواز

کارگران اهواز امسال با گرد هم آمدن در "کانون" موقت برگزاری مراسم اول ماه مه "قدمی دیگر در جهت اتحاد کارگران برداشته و همپینگ و اتحاد خود را به نمایش گذاشتند. شورا های شرکتها و کارخانه های (سینوس، پیما نگاری حمل و نقل با بری صنعت نفت، کمپون، مانا، خانه سازی، ماشین سازی پارس، سانا، گسترش مسکن، مخابرات خوزستان، نکت - سیاش و سیوس) از ساعت ۹ صبح دست به نیک راه - پیما شی زدند تا با ردیگر پیما ن خود را مبنی بر - تا بودی سرمایه داری و امیربا لیسیم تجدید نمایند. کارگران مبارز اهواز ضمن دادن شعارهایی در لزوم وحدت کارگران در مقابل نظام سرمایه داری، از برادران کارگر بیجا رخنه و پیشانی نموده فریاد میزدند: "برادران خراجی، کارگر ما رز، کار حق توست - سرمایه داری دشمن خونخوا رتوست". پلاکاردهایی که توسط راه پیما یان حمل میشد با تکر فوری ترین خواست کارگران بود: "۴ ساعت کار در ۵ روز هفته" و "بیمه بیکاری حق مسلم کارگران است".

راه پیما یان در مسیر حرکت خود با عده ای اوباش همه جا حاضر و روبرو شدند که بعد از هم زدن مفسوف کارگران فریاد حزب الله سر می دادند. راه پیما یان برای جلوگیری از درگیری از آنجا که تظاهرات نیز نزدیک به آنها مابود، مختار راه پیما شی را اعلام کرده و متفرق شدند.

محمودآباد

بدعت هوا داران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در محمودآباد با بدعتی که جهت گرا میداشت اول ماه مه روز همپینگ بین الطلی کارگران در محل دبستان ۱۷ شهریور برپا گردید. مراسم در ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر با خواندن سرود انترنا سونال شروع گردید در طول مراسم سرودهای شه رقیب، خلق ترکمن ۱۶ آذر مهنا ست همپینگ با مبارزات قهرمانانه خلقهای کرد و ترکمن و حماسه مقاومت دانشویسان مبارز و انقلابی بخش گردید. همچنین پیما میهای کارگران (کارگر خراجی از کارخانه ایران الکتریک آمل - نماینده کارگران کارگاههای مکانیکی و تعمیراتی، شعر من بک کارگرم ازک رفیق کارگر شرکت زربال و...) قرائت شد. در طول برپا شی - مستینک شعارهای ضد امیربا لیسیتی - خدا رتجا عی توسط جمعیت تکرار میشد. این مراسم پس از سخنرانی مختصر رفیق میرامون اوضاع کنونی و بخش سرود انترنا سونال خاتمه یافت.

همچنین اعلامیه های سازمان پیکار و میرامون اوعام کردستان و وحسن مفاومت خلق کرد، دستگیری ۸۰۰۰ معرد راهواز، سالگرد هجرت کارخانه جهسان و حب و... برای جمعیت خوانده شد.

دهقانان امیرآباد اول ماه مه را جشن گرفتند

بسی زینداران بزرگ و مالکین و همچنین سرمایه داران بزرگ و... وجود دارد آمریکا ووا استیسی ما وجود دارد پس ما بیسی کارگران و دهقانان با بند با اتحاد خود در جهت از بین بردن با یگا ها - جها نخوا ران با نسیم.

همچنین در قسمتی از سازمان پیکار شرکت زربال چنین آمده است: بعد از قیام خوشین و فداکار ربهای مردم ستم دیده ما هنوز سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ و... بطور مستقیم و غیر مستقیم بر ما حکومت میکنند هنوز قوانین فداکاری در کارخانه ها حکم فرماست. کارگران را که از حقوق خود دفاع میکنند بعنوان اخلالگرا خراج و دهقانان را که بر علیه مالکین و... مبارزه میکنند بعنوان ضد انقلاب با زداشت و زندانی میکنند و برادران کردها را به عنوان تجزیه طلب سرکوب میکنند. بنا بر این ما باید با اتحاد دو یکبارگی خود را با یگان - خواران بسنی مالکین و سرمایه داران بزرگ و... را از بین ببریم.

مراسم با شعار "کارگر، بزرگ، زنده بکار و نوام" و شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" تپا یان رسید.

دهقانان روستای امیرآباد واقع در منطقه "نور" مل با دعوتی که از روستایان اطراف خود کرده بودند روز اول ماه مه روز همپینگ کارگزاران جهان را با شکوه خاصی جشن گرفتند. مراسم جشن از ساعت ۶ بعد از ظهر با بخش سرودهای محلی و انقلابی شروع شد صدای شرانهای محلی که با زنگ کوبنده در درون رنج دهقانان و کارگران بود در فضای روستای امیر - آباد پیچیده بود. دهقانان از مزایع برای شرکت در این جشن حرکت کرده بودند. همچنین عده ای از دهقانان و روستایان روستاهای اطراف به محل برگزاری مراسم با شگوهی که حاکی از صفا و مصمیمت دهقانان بود برگزار شد. مراسم با سخنرانی یکی از روستایان که در راه روز اول ماه مه و ضرورت اتحاد کارگران و دهقانان بود شروع شد بعد از آن پیما یکسی از دهقانان سی زمین این روستا و بعد پیما یکسی از کارگران شرکت زربال و همچنین شورای دهقانی جلیکان و... خوانده شد.

در قسمتی از پیما دهقانان سی زمین این روستا آمده است: تا زمانیکه با پیما های امیربا لیسیم در ایران



عکسی از راه پیما شی اول ماه مه در تهران که بدعت همپینگ سرکاری جشنهای اول ماه مه برگزار شد.

خلق ها و مسئله ملی

خلق کرد تنها نیست!



"اخبار جنبش مقاومت" انعکاسی از پیکار دلیرانه خلق کرد

"اخبار جنبش مقاومت" نام نشریه است که "حوزه" سندج "سازمان انتشار می دهد. این نشریه روزانه بوده و تا بحال ۱۷ شماره آن به دست ما رسیده است. "حوزه" سفیر نشریه ای با همین نام منتشر می سازد که از آن تا بحال ۴ شماره بدست ما رسیده. این نشریات طبعاً ماهی از مسازات شهر ما تا به خلق کرد در آذربایجان و روسی با ارزش بسیار در آنجا شایع می گردند. اخباری که سازمان ما از جنبش خلق قهرمان کرد در سطح جنبش می کشد، عمدتاً مبتنی از همین خبرها می باشد. ما از کلیشه ها و ادراک سازمان ما می بینیم که پیکار دلیرانه خلق کرد می خواهد هم در یک نشریه ای با ارتباط به خلق کرد به لایحه نتایج آنجا را بنویسد!

اکنون ما قسمتی از "اخبار جنبش مقاومت" شماره ۱۶ منتشره ستا ریح ۵۹/۲/۱۴ را در اینجا نقل می کنیم: مردم مبارز سندج! آنطوریکه در اطلاعیه ها و خبرنامه های نیروهای سیاسی آمده است، این روزها مذاکراتی در جریان بود تا آتش بس برقرار شود منتهی هما نظور که انتظار می رفت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و رئیس جمهورش سنی صدر، طی اطلاعیه ای که از اردیو و تلویزیون بخش شد، بر "باکسازی نیروهای مسلح"، بخصوص در شهر سندج تا کمید گردیده این ترتیب برگ دیگری را بر آورده، جنایت ها بتان را با رگبار گلوله های خمپاره و توپ کالیبر ۵۵ ورق زدند.

طی چند روز اخیر تا حدودی مردم سندج چونه امر بر فرازی آتش بس را با علاقمندی دنبال می کردند و در همان حال و در زیر رگبار گلوله های دشمن به مقاومت حماسه آفرین خود ادامه می دادند. رژیم سردگن رگلوله های آن شهروان را بطریق فرستادن نیروهای گمگی، در حقیقت موافق خود را تقویت میکرد تا با رگبار سنگین خود تنها جم و سیمری را آغاز کند و از نظر خود شورا "باک سازی" کند. و در روز چهاردهمین روز مقاومت خلق، با آتش وسع خمپاره های خود نشان داد که میخواهد به اصطلاح شهروان "باک سازی" کند.

تخریب خلق کرد و مسازاتش بخوبی نشان میدهد که رژیم بتان به همت مدخلیست تا وسیله از خلق بسکت بخورد، پس به مذاکره و آتش بس نخواهد داد. مثلاً رژیم که در جریان سورش و شایعیه کردستان در تابستان سال گذشته تمام نیرویش به میدان آمد تا بتواند با کمیت ارتجاعی خود را در کردستان مستقر سازد و میازره "سرخ و ما دلانه خلق کرد" را خاموش سازد. وقتی که در اثر مقاومت متحدانه و بسکت خلق کرد و بسکتگران قهرمانش مضمناً به سکت خسورد، حاضر ندکست مسز مذاکره ننشند. بدین مذاکره از

طرف رژیم به این دلیل نیست که رژیم واقعا میخواهد مسئله کردستان را به شیوه ای مسالمت آمیز حل کند، بلکه هما نظوریکه عملاً نشان داد رژیم از این فرصت برای تقویت مواضع خود در مسازات ارتش و سپاه پاسداران شکست خورده اش استفاده کرد تا بتواند حمله مجددی را آغاز کند و این کار را از ۱۴ روز پیش انجام داده است. بتان بتان عدم توجه به این تجربه که دستاورد و خونهای شهدای بسیاری است و هرگونه خوش بینی از جانب هر نیروی سیاسی نیست. به سیاست آتش بس این رژیم، در شرایطی که عملاً به سرکوب خلق مشغول است، نتیجه ای جز خلق مسلح سیاسی - نظامی ندارد. بتان بتان بعضی از نیروهای سیاسی بجای این که در رژیم بدنامان مسلح "طلخ طلب" و "مسالمت جو" بگردند، با بدبه سازما - ندی جنبش مقاومت بسزدا زند. و با شرکت هر جنبه فعالان در این مسازره، قدرت خلق را تقویت کنند. زیرا اگر چه خواست خلق کرد جنگ نیست، اما حاضر نیست "مذاکره" و "طلخ" گذر رژیم برای تا مین منافع خود تحمیل می کند را بسزدا زند. بتان بتان آن مسالمت اصولی که میتواند در عمل قادر است رژیم را هم در جنبه سیاسی و هم در جنبه نظامی عقب بنماید و او را در هر دو جنبه خلق سلاح نماید، انکاء به قدرت لایزال بوده ها، سازما ندی جنبش مقاومت و تحمیل شکست نظامی و در نتیجه شکست سیاسی به رژیم خواهد

بدین حال فراخوان سازمان جهت تسریع هر چه بیشتر در ارسال دارو و کمک های لازم به خلق کرد و جنبش مقاومت در کردستان و در نتیجه، برخورد فعال دانشجویان و دیگر رفقای هوا دار سازمان در این رابطه، استقبال. تا بیان تقدیری از سوی رفقا، هوا داران و دیگر هموطنان مبارز بسمل آمدود عرض چند روزی دهها هزار تومان کمک مالی و داروئی (وشیر خشک برای کودکان) جمع آوری گردید. ما تا حدودی که مردان و زنان جوانانی که دلشان برای آزادی و استقلال خلقها و رفاهائی زحمتکش از قید ستم و استثماری نبود در این امر شرکت می جستند، بخوبی ادعان داشتند که بس کمک ها با فداکاریها و جان - با زینها و مقاومت خلق کرد و بسکتگرهای قهرمان خلق قابل مقایسه نیست! اما آنچه مهم است پیاپی است که در این هموطنی رفقا و دوستان انقلابی و آگاه نهفته است، بیما می که بس خلق کرد و بسکتگرهای دلاور می گوید: ما شمار در مقابل توپ و تانک و محاصره اقتصادی تنها نخواهیم گذاشت، اگر نمی توانیم در کردستان با نسیم و درکتنا شما نسزدکنیم، اما بدنیهای مجروحان را که رژیم بتان می کند سا جلیو کسری از ارسال داروئی درمان گذارد. مرمخوا هم گذاشت. کودکان شیرخوار را که از شیر خشک استفاده میکنند و رژیم ما محاصره اقتصادی جلیو روود آنرا گرفته است، بی شیر نخواهیم گذاشت و...

آری ما با در اختیار گذاشتن کمک های خود، به سازمان آنها را بدست شما خواهد هم رساند. ما ضمن ارج گذاری بر این کمک ها خواهیم ستار گسترش و افزایش هر چه بیشتر آن می باشم.

بود. فقط در این صورت رژیم عقب خواهد نشست و تسلیم خواهد شد. بیروز با دماریه حق طلبانه خلق کرد! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر حوزه سندج



هدیه هیئت ها که به خلق سندج داده کرد!



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

«پیشمرگان مسلمان کرد» چه کسانی هستند؟

هیئت حا کمه برای سرکوب خلق کردتها مدستگاه های سرکوب خود را بکار گرفته است. علاوه بر ارتش و سپاه پاسداران، رژیم با همدستی مغنی زاده مرجع و فتوادلای منطقه دست به تشکیل «پیشمرگان مسلمان کرد» زده است. این دسته جنا پتکار که عمدتاً از جاشهای خود فروخته، عوام مل فتواد لایا و افراد تبه کار و تشکیل شده است، اخیراً عده ای از مردم زحمتکش و گرسنه را نیز بکار گرفته است که بواسطه بیکاری و فقر بیش از حد، بدام این یا ندجنا پتکار افتاده اند. گزارش زیر این حیلله کنیف هیئت حا کمه را بر ملا می کند: یکی از درجه داران با بگا هاشا خرگی و یکی از اعضای گروه غربت با بگا هینام گروهبان یکم «توکلی» از طرف گروه غربت و اجمن اسلامی با بگا هاشا مورثه است که پیشمرگان مسلمان کرد را استخدا میکند تا کنون این شخص بیش از سه هزار نفر از اهالی کوشور آهنگ و اطراف با بگا هاشا به هزار تومان ماهیانه استخدا م کرده و به کار میاراند و قروه عوام کرده است. یکی از این پیشمرگان بنام «کریم نظیری» که از زحمتکشان ستم - دیده و از کارگران بیکار است اظهار می دارد: من و سایر بردوستانم بیخاطر بیکاری و برای سرکردن شکسم زن و فرزندان خود بیجا در پیشنها د «توکلی» درجه دار مزدور را قبول کرده و به کار میاراند و قروه رفتم. اما بعد از مدتی من متوجه شدم که ما رزه خلق کرد، جنگ بین اسلام و کفار نیست و آنها نیز ما تندما مسلمان هستند. از این روشن به این تنگ نداده و متواری شدم.

اعتراض حقوقدانان مترقی فرانسوی به بنی صدر در مورد کشتارهای اخیر ایران

متن زیر، تلگرام عده ای از وکلای ترفیخواه (۱) فرانسه در اعتراض به بنی صدر در مورد کشتار کردستان و اقدام علیه کارگران و دانشجویان دانشگاههاست که در تاریخ ۲۳ آوریل (۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹) ارسال شده است. این امر نشان دهنده جلب نظر معاضد ترفیخواه جهانی نسبت به جنایاتی که هیئت حا کمه در ایران انجام میدهد، بوده و در افشای این جنایات در سطح جهانی به مردم کمک خواهد کرد. بنا بر این ما بدون آنکه ما هیئت مواضع همعاضد کنندگان این تلگرام را فراموش کرده ایم، در اینجا می آوریم. با این توضیح که بعضی از این وکلا از جمله کسانی هستند که در زمان شاه نیز در حمایت از مبارزات مردم علیه رژیم دیکتاتور شاه مواضع مترقیانه ای داشته و در دفاع از مبارزات ضد رژیم و افشای دیکتاتور محمد رضا شاه، در سطح جهانی و منجمله اقدامات استعمارگران فرانسوی در الجزایر نقش فعالی داشته اند.

(۱) - لازم است گزارشات که حقوقدانان مترقی مذکور با سازمان «عفو بین الملل» تفاهت دارد.

TTN 779 ZIN 268
IRTR CO FRX 140
PARIS 140/129 23 1A11

Copie Reçue Copie certifiée conforme au dépôt
éligibilité pour le
TTE 779
PARIS 140

PRESIDENT DE LA REPUBLIQUE BANI SADR
TEHERAN

AVOCATS AYANT HIER DEMONSTRÉ PUBLIQUEMENT EN OCCASION DE LA
DICTATURE SHAH DEFENDU ICI ET CHEZ VOUS RESISTANTS REGIME PAHLAVI
APPLAUDI AVEC JOIE VICTOIRE REVOLUTION PEUPLE IRANIEN DONT NOUS
BONNES SOLIDAIRES DANS SA LUTTE POUR SA SOUVERAINETE SON
INDEPENDANCE ET SA VOLONTE DE LIBERATION DE TOUTE HEGEMONIE
AUJOURD'HUI TENONS A HONNEUR DE NE PAS TAIRE NOTRE INDIGNATION
SUITE INFORMATIONS RELATANT MASSACRES MINORITES NATIONALES ET
REPRESSION SANGLANTE ETUDIANTS INTELLECTUELS OUVRIERS STOP
ESPERONS ESPERONS QUE DEMAIN SERONT POUR TOUS RECONNUS DROITS
FONDAMENTAUX ET UNIVERSELS PERSONNE HUMAINE POUR LESQUELS NOUS
AVIONS MENE LE MEME COMBAT STOP HAUTE CONSIDERATION
NICHELLE BEAUVILLARD MARIEFRANCE SCHMIGLIN MADELEINE LAFUEVERON
NURI ALBALA YVES BAUDELLOT JEAN BRAUNSCHEIG JEAN DEBIEZ
THIERRY FAGART JEAN LAGADEC AVOCATS COUR APPEL PARIS
BEAUVILLARD 046 QUAI HENRI 4 75016 PARIS

UNQUOTE

همکاری قاچاقچیان با پاسداران در سرکوب دانشجویان

طبق اخبار موثق، در حمله مشترک ارتجاع محلی و عوام مل و مزدوران هیئت حا کمه به دانشگاه بلوچستان بعضی از قاچاقچیان معروف و جنا پتکار، دوشادوش با پاسداران با اسلحه به دانشجویان حمله کرده و در سرکوب آنها نقش موثری داشتند که از جمله میتوان از «حاجی ملا احمد» یکی از بزرگترین قاچاقچیان منطقه و «حاجی تاج محمدشهبخش» «حاجی دادخدا» شهبخش که یکی از واردکنندگان هروئین است نام برد. (بمنقل از سردبیلوچ، ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان، شماره ۲۱).



نمونه ای از اتحاد و یکپارچگی خلقی قهرمان کرد در مقابل بورژوازی ارتجاع!



ارتجاع حروسانی و کسار، ارمغانی سبب ورود!

شبهه‌های کمونیستی: سنتی ارجمند در جنبش انقلابی طبقه کارگر

دوم ماهه (۲۰ اردیبهشت) مصادف است با پاک‌گرفتن سنتی انقلابی و کمونیستی در تاریخ سوسیالیسم پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ که کارگران و زحمتکشان شوروی، قدرت سیاسی را بدست گرفته، اولین ثالوده‌یک جامعه و اقتصاد سوسیالیستی را بر ویرانه نظام تزاری پی ریزی میگردوند و با تمام قوا در راه برقراری مناسبات نوین اجتماعی که بسود از هرگونه استثمار استعمار استگام برمی‌داشته، دست به ابتکار تازه‌ای زدند: کارگران، علاوه بر کسب روزانه‌ها که با اجتناب از وظایف نه‌ویرانه‌ها، گدایان پادشاهی‌ها را شنبه‌ها تمام می‌گرفت، پرداخت می‌کردند.

در آن زمان، بورژوازی داخلی و نیروهای ارتجاعی، همدست با امپریالیسم جهانی، موانع متعددی بر سر راه برقراری سوسیالیسم در روسیه ایجاد کرده بودند و بنا به نظر کارگران آنجا کولچاک و دنیکنین (۱) انواع جنگ افروزیها را در من می‌زدند و با میسب بازگرداندن اوضاع استثمارگرانه گذشته از هیچ جناحی خودداری نمی‌کردند، کارگران روسیه و کمونیستهای انقلابی تحت رهبری حزب و موزگار بزرگ خود دلنشین بی هیچ وقفه‌ای فدای کارهای سیاسی قهرمانان و ابتکار عظیمی را از خود نشان میدادند. لنین در مقاله «بسیار آموخته از روزنه "ابتکار عظیم" در این باره چنین می‌نویسد:

"قهرمانی کارگران در پشت حبه نیز کمتر از این (کمتر از قهرمانی سربازان ارتش سرخ، کارگران و دهقانان علیه سیهان کولچاک و دنیکنین و سایرین) نیست. اما لنین و سرما به داران) بیایان توجه نیست، شبهه‌های کمونیستی که کارگران بنا به ابتکار خود معمول داشته‌اند، از این لحاظ تا حد اتمیت و اتم عظیم است. ظاهراً این هنوز فقط سراسر فاکتور است. ولی سرما برای دارای اهمیت فوق العاده را دارد. این سرما از انقلابی است دشوارتر، بیشتر، اساسی‌تر و فطری‌تر از سرنگون ساختن سوزووی زبیرا! این امر، پیروزی بر جمود شخصی، ولنگاری، خودخواهی خرد بورژوا منشانه، پیروزی بر این مادیت که سرمایه‌داران مغفور برای کارگر و دهقان به میراث نهاده است، هنگامیکه این پیروزی تحکیم شد، آنگاه فقط آنگاه انقبساط اجتماعی نوین، انقباض سوسیالیستی بوجود خواهد آمد. آنگاه فقط آنگاه با گذشت همه، با گذشت بسوی سرمایه‌داری غیر ممکن و کمونیسم و انقباض شکستنا پذیر خواهد شد." (تا کجاها از لنین و پراکنشها از ماست).

"روز هفتم ماهه (۱۹۱۹) در جلسه عمومی که از

(۱) - دریا سال لولچاک دست نشانده امپریالیستها در سبیری بود که در سال ۱۹۱۹ ارتش سیهی گرد آورد و تمام نیروهای ضد انقلابی روسیه بر فرمان او درآمدند. او گویند رژیم جمهوری شوروی را و از کون کندولی ارتش سرخ در آوریل همان سال شکست سختی به او وارد آورد.

ژنرال دنیکنین، پس از شکست ارتش کولچاک، در جنوب شوروی علیه جمهوری انقلابی سوسیالیستی به لشکر کشی پرداخت. لنین برای شکست این توطئه مشترک امپریالیسم و رجاع شار: "همه در راه مبارزه برده دنیکنین" را داد و سرانجام، دنیکنین در اکتبر ۱۹۱۹ بدست ارتش سرخ که فرماندهی آنرا ستالین عهده‌دار بود شکست سختی خورد و این پایان کار بود.

کمونیستها و هواخواهان آنان در بخش راه‌آهن مسکو - غارن تشکیل شد این مسئله مطرح گردید که از گشتا در باره کمک به پیروزی بر کولچاک به‌گذا ردها خسته بود" و قرار شد که "نظر به وضع دشوار داخلی و خارجی و منظور تفوق بر دشمن طبقاتی، کمونیستها و هواخواهان آنان با بدبا زهم برسد تا فعالیت خود را فرا بیاورد و این ساعات را در پیجم جمع کرده در روزهای شنبه بطور اتمی، ۶ ساعت کار جماعتی انجام دهد تا بدینسان فی الفور یک ارزش واقعی حاصل آید، با در نظر گرفتن اینکه کمونیستها نباید از صرف نیروی جماعتی و بدل جان در راه پیروزی انقلاب دریغ ورزند، کار می‌سورما ما انجام بگیرد، شبهه کمونیستی تا احراز پیروزی کامل سرکلچاک در سراسر بخش معمول گردد: "تا کجاها از ماست".

این ابتکار انقلابی که لنین آنرا عظیم توصیف کرده است، مورد قبول کارگران در بخشهای دیگر قرار گرفت و نتایج ارزشمندی هم در باره لایردن سطح تولید و مبارزه با خرابکاریها و ویرانیهای ناشی از اقدامات ارتجاع و هم در باره نمونه‌های از کار انقلابی و قهرمانانه کارگران در نظر می‌گرفتند. به خودشان است و خود قدرت سیاسی را در آن بدست دادند از خود بیجا گذاشت.

ما در اینجا از تفصیل نتایج این ابتکار عظیم صرف نظر کرده‌ایم و بندگان را به مطالعه مجدد مقاله بسیار آموخته لنین در این باره تحت عنوان "ابتکار عظیم" مندرج در مجموعه منتخب آثار ریک جلدی صفحه ۶۹۱ دعوت می‌کنیم.

فداکاریهای طبقه کارگر ایران و انتظارات رژیم جمهوری اسلامی

طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما، در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم و بویژه طی مبارزات گسترده و پیروز سال ۵۷، بیش از پیش ثابت کردند که تا کجا حاضرند در راهی خود را، فداکاریها و قهرمانیها و ابتکار عظیم از خود نشان دهند. ماهها اعتصاب و بیکاری و معاراج گزاف هزینه زندگی خود خاتمه‌دهان را تحمل کردند، زندان و تهدید و شکنجه را بجان خریدند و از آرزای نشنیدن سورا تمام، همین طبقه کارگر بویژه نوجوانان قهرمان بودند که همراه با دیگر زحمتکشان ایران، رژیم شاه را بزور آوردند، حال به همین آموزش لنین و ابتکار عظیم "شبهه" های کمونیستی" به ما چه می‌آموزد و ما شایسته راکه در راه مبارزه با ریشتر و فعالیت و فداکاری کارگران پس از یک انقلاب مطرح میشوند، آنچه میتوانند ملای سر خورد و تطیل ما قرار بگیرد نیست که آیا کارگران و زحمتکشان، خود قدرت سیاسی را بدست دارند یا نه؟ آیا حکومت در راه قطع وابستگی، در راه ریشه‌کن کردن استثمار و بر میندازند یا نه؟ از روزی که رژیم جمهوری اسلامی در ایران برقرار شده با رها از زبان سردمداران حکومت شنیده - امیم که مهرانه از کارگران کار ریشتر را خواستارند و هرگونه مطالبات عادلانه کارگران، هرگونه فشار بر سرمایه‌داران از نوع کم‌کاری، اعتصاب و تحصن و مطالبات فدا کننده و غیره را "فدا انقلابی" معرفی می‌

کرده، نیروهای کمونیست و طرفدار طبقه کارگر که از مبارزات کارگران پشتیبانی میکنند متهم به "فدا انقلابی" بودن می‌شوند و آنها را "شما طبقاتی" می‌نامند که در کارخانه، کارگران را "منحرف" میکنند. سران رژیم جمهوری اسلامی از کارگران می‌خواهند که خواهان تولید افزایش دهند، بنی صدر نیز در سخنرانی خود به مناسبت اول ماه مه در افغان همین خواست را تکرار کرد، کمونیستهای ایران طی یکسال گذشته هرگز از پشتیبانی خواستهای عادلانه کارگران و تلاشها و اعتراضات آنان در راه احقاق حقشان غافل نبوده‌اند. کمونیستها گویند که اندکاهایی برای لازم ورز نمودن هائی که در راه مبارزه با رشد اتمالی جنبش کارگری در دست داشته اند، می‌تواند کارگران را به برتر و نظرات خود را تبلیغ و ترویج نماید. کمونیستهای ایران هرگز فریب با صلاح مبارزه با امپریالیسم رژیم جمهوری اسلامی را نخورده‌اند. او از کارگران نخواسته اند که حتی موقتاً دست از خواستهای عادلانه بسود بردارند. این امر البته به مذاق شما بندگان جدید سرمایه‌داری در ایران خوش نمی‌آید. آنها کارگران و کمونیستها را متهم به خیانت می‌کنند اما کارگران و زحمتکشان آگاه و میداندند و نیز صحت این موضع گیری کمونیستها را برای تمام شده روشن خواهند کرده در شرایطی که قدرت سیاسی بدست شما بندگان کارگران و زحمتکشان نیست، در شرایطی که سرمایه‌داران و وابستگان می‌توانند با بند زدن و جراحی‌های که در نتیجه قیام پیرویشان وارد آمده است می‌بخشند در شرایطی که کارگران حق طلب را به زندان می‌افکنند یا به گلوله می‌بندند (کارگران سینه و ...). وصف بیکاران را آماج مسلسلها می‌کنند (مثلاً در درود)، در شرایطی که هم بنیامان طبقه کارگر یعنی خلقهای تحت ستم و بیچاره‌ها را در قتل عام می‌شوند و در معرض بمباران قرار دارند، در شرایطی که کارگران در برابر برکرتی سرمایه‌داران و ویرانگر گسستن هزینه زندگی هیچگونه تا مینتی ندادند و خود و خانواده شان از احقاق تا مین زندگی محرومند، در شرایطی که سرمایه‌داران برای ریکه قدرت تکلیف زده‌اند، نین ضد کارگری وضع کرده‌اند و بیجا دهقان در کارخانه‌ها را از طریق "نیروی ویژه" (اما نه دشمنان) ادا رها ساختند (سابق) و خبرچینان با صلاح مکتبی و اسلامی (انجمن-های اسلامی و...) و نیز اخراج کارگران مبارز و کمونیست را در سر لوجه کار خود قرار داده‌اند و آنگاه شدن کارگران بدست می‌رسند (و حق هم‌دارند که بدستند!) در چنین شرایطی چگونه میتوان از کارگران خواست از خواستهای عادلانه خود دست بردارند و مثلاً کارمجان می‌کنند! کارگران حاضرند کارمجان می‌کنند، حاضرند شبهه‌های کمونیستی در سراسر کشور و کلیه رشته‌های صنعتی و کشاورزی ایجاد نمایند و کارانه در راه افزایش تولید و تا مین نیازمندیهای عمومی کارکنند اما بیک شرط این شرط است که رژیم، رژیم کارگران و زحمتکشان نباشد، کارگران و دیگر زحمتکشان حاضرند اما بهای بلکه ما آنها می‌کنند، اما بیک شرط آنکه آینده‌ای بیخ استعمارندگان در چشم‌انداز باشد. کار، زحمت و "صبرا انقلابی" کارگران و زحمتکشان تنها در شرایط حاکمیت زحمتکشان در جمهوری دمکراتیک خلق و در راه ما خنمان سوسیالیسم معنسی میدهند در شرایط حاکمیت بورژوازی. ■

بقیه از صفحه ۱
پیروزی ...

جها نی دوم بعد از چهار سال که جهان را در کام فرو برده بود، به پایان خویش نزدیک گردید. امروز در آستانه سی و نهمین سالروز پیما نی رسیدن این جنگ فرصتی است که با نگاه بی طرفانه و جریانیات آن از نقش عظیم و تعیین کننده شوروی سوسیالیستی و اولاً سوسیالیسم در درهم شکستن جنبه فاشیسم و رها نیدن بشریت از خطر عظیمی که آنرا تهدید می نمود باری نما شیم. این همچنین فرصتی است که تا بسا با دآوری حماسه ها و قهرمانیهای پرولتاریای شوروی و همه خلقهای آن تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) شوروی و در راستا نی استالین کبیر که نبرد حماسه آفرین استالین گروادیلور برجسته این قهرمان نیها بود، گوشه کوچکی از آرا ده و عم آهستین پرولتاریای جها نی برای رها نی نیها نی بشریت از یوغ بندگی و بردگی و طغیان و صحت انگارنا پذیرا بشوئیم و ظفر نیمن آن یعنی ما رگسیم - لتینیم را بسه نمایش نگذاریم، با شکوه پرولتاریا نی قهرمان ایران نیز در این راه پیرشکوه سهم خود را به نایسته ترین وجه ادا نماید.

چرا جنگ امپریالیستی؟

همانطور که ما رگسیم - لتینیم همواره و بطور ضریح بیان داشته است "جنگ" اما سانشی از وجود طبقات و اختلافات طبقاتی در جامعه بشری است و تا زمانی که ما به طبقاتی وجود دارد جنگ نیز وجود خواهد داشت. در عصر امپریالیسم با توجه بسه آسعا دگسترده و بین المللی نظام سرمایه داری، جنگهای این عصر نیز در مواردی آسعا دچار نی پیدا کرده و تقریباً تمام کشورهای جهان را در بر میگیرد. در عصر امپریالیسم کشورهای امپریالیستی همانطور که لتین در "امپریالیسم و سرمایه داری" مرحله سرمایه داری" متذکر می شود، برای تقسیم مجدد جهان و بدست آوردن سهم بیشتری از جهان و غارت ثروتهای طبیعی و انسانی، به رقابت می پردازند و نتیجه این رقابت چیزی جز جنگ نیست که شدیدترین و شتابانی ترین و نطفه رقابت آنها بر آه انداختن جنگ در سطح جهانی است. جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم دومیته زنده بین امراست. در حقیقت در عصر امپریالیسم همانطور که لتین و استالین و سایر بزرگان سوسیالیسم با دآوری میکنند، همواره زمینه و مکان بروز جنگ امپریالیستی وجود دارد و تا زمانی که امپریالیسم سیستم استعمار فراطرد وجود دارد، جنگ نیز وجود خواهد داشت، استالین میگوید:

"برای امکان نابذیرا ختن جنگ با سس امپریالیسم را زمین برد (مثال اقتصاد سوسیالیسم در اتحاد شوروی)

اما زمینه مشخص رقابت شدید امپریالیستی و بر آه انداختن جنگ جهانی را با نیستی در درون خطراتی که سیستم سرمایه داری جها نی را تهدید میکند و آشرا در آستانه مصلال و نا بودی قرار میدهد جستجو نمود. از جمله مهم ترین آنها بحران عمومی و ذاتی سیستم سرمایه داری است که وقتی بطور اجتناب ناپذیرس اوج میگردد و با آه آرتا به لرزه درمی آورد، حکومتیهای سرمایه داری و امپریالیستی سسرای خلاصی از بحران و انداختن بار سنگین آن بسدوش رحمتکشان کشور خود را بر کشورها به جنگ متوسل می شوند. به این ترتیب آنها میکوشند با بدست آوردن مناطقی جدید تحت سلطه و شکست جریان خویش خود را

از بحرانهای که گریبانشان را گرفته است رها کنند. البته در این میان کمپانیهای بزرگ اسلحه سازی نیز از طریق تولید و فروش گسترده تسلیحات جیبیب خود را از دسترنج زحمتکشان برمیآزند.

بر همین مینا بوده که منافع متضاد امپریالیست - های اروپایی و آمریکایی موجب برپا شدن جنگ جهانی دوم گردید. بحران سالهای ۴۱ - ۳۹ که تا آن زمان شدیدترین بحران سیستم سرمایه داری بود چنان با بهای سیستم را به لرزه در آورده که حکومت های امپریالیستی خود را با خطر عظیمی مواجه دیدند. در حقیقت این بحران گذشته از بهور شکستگی کشاندن اقتصاد کشورهای سرمایه داری موجب نفرو و بدبختی کشیده شدن توده های عظیم کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی گردید و موج عظیمی از مبارزات کارگران و زحمتکشان را در آن منبیزد. با این ترتیب جنبش کارگری و باطن جنبش کمونیستی به صورت خطر رشنا پیدا کرده و زندگی انگسار و سرمایه داری و سرمایه داری را مورد تهدید قرار میداد. در این میان با بگا، انقلابیهای و دژ مستحکم پرولتاریای بین المللی یعنی شوروی سوسیالیستی با گامهای بلند و دراز از بحران عبور کنند و سیستم سرمایه داری به پیروزیهای عظیمی دست می یافت و بعنوان پشتیبان محکم و مطمئن پرولتاریا و خلقهای جهان اردوگا امپریالیسم را به وحشت انداخته بود. در واقع پرولتاریا و زحمتکشان شوروی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) و در راستا نی رفیق استالین توانستند علیرغم همه توطئه ها و تهدیدات امپریالیستی و وابستگان آنها، مشکلاتی که با آن مواجه بودند، در آده راه پیر - افتخار لتین با بهای سوسیالیسم را ریخته و بسه پیروزیهای عظیمی در راه استقرار کامل سوسیالیسم نائل شوند. این پیروزیهای عظیم که تنها طی ۳۰ سال بدست آمده بود و روسیه عقب مانده و فکودالی را به کشوری در سطح پیشرفته ترین کشورهای تبدیل کرده بود و همشرا زنده آنها بعنوان با بگا انقلاب و بصورت دژ مستحکم برای پشتیبانی از انقلاب جهانی در آورده بود، شدیداً امپریالیست را به وحشت و هراس مرگ انداخته بود. رشد مبارزات آزادی بخش در کشور های تحت سلطه، که با پیروزی انقلاب کبیرا کثیر و پیروزیهای بعدی آن در شوروی توان تا زه ای یافتند، نیز خطراتی برای امپریالیستها در جستان کرده بود.

فاشیسم هیتلری به قدرت میرسد

با این ترتیب سیستم امپریالیسم جهانی از چارسو خود را مواجه با پورش تهدید میدید. بحران ذاتی سیستم سرمایه داری، اقتصاد آنها را به افلاس و ورشکستگی کشانده بود، جنبش کارگری و سایر زحمتکشان در نتیجه فقر و فقر آزون توده های بی سرگشت روبه گسترش بود. اولین کشور سوسیالیستی روز بروز به پیروزیهای جدیدی دست می یافت و چشم تمام زحمتکشان جهان به سوی آن متوجه شده بود و با آسره جنبشهای آزادی بخش با الهام از انقلاب کبیر و پیروزی ساختار سوسیالیسم در شوروی هر روز اوج نویینی می یافت. در این اوضاع طبقات حاکمه کشورهای امپریالیستی یعنی بخشهای مختلف بورژوازی جها نی برای نجات آنان و نا بودا ختن دژ انقلاب جهانی یعنی شوروی سوسیالیستی هم - داستان بودند، لیکن هر کدام از آنها طبق منافعهای خویش و بصورت باندهای دزدان دریایی بدنبال سهم

بیشتر تسلط بر جها نی به روی یکدیگر چسب می انداختند. بر این مینا است که قبل از شروع جنگ ابتدا امپریالیستهای آمریکا شی، انگلیسی و فرانسوی در بقدرت رسیدن جناح فاشیسم برهبری هیتلر در آلمان کمک کردند و بعد هم به شوقی و تحریک آن برای حمله به شوروی سوسیالیستی پردازا ختند، تا بلکه از این طریق حکومت جوان شوروی را سرنگون و نا بسدازند. اما هشاری پرولتاریای شوروی و مشخا رفیق استالین نسبت به توطئه امپریالیستهای آمریکا شی و انگلیسی و فرانسوی نقشه آنها را نقاش بر آرت کرد (۱) با ناکام شدن نقشه امپریالیستهای آمریکا شی و دیگر امپریالیستها علیه دولت شوروی، جناح فاشیسم در آلمان قدرت را کاً ملاً قبضه کرد و در جهت سلطه بر جها نی، حمله خود را متوجه رقیبسیان خویش ساخت. و با این ترتیب جنگ جهانی دوم، عملاً با حمله نیروهای آلمان در روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان شروع گردید. حمله ایکه بتدریج بسای امپریالیستها را به راه پیرا بجهت کشانده.

جنگی که آغاز شد، ایک جنگ امپریالیستی غارت - گرانه و در جهت سلطه کامل بر جها نی و بدست آوردن سهم بیشتر توسط امپریالیستهای گوناگون بود. امپریالیسم خویشخواه آلمان به سرگردگیها ترین جناح آن یعنی فاشیسم برهبری هیتلر، طبق نقشه های بلند پروازانه خود قصد آن داشت که سراسر جها نی را تحت سیطره خود در آورند و بر این مینا مینا نیستی کلیه رقیبان خویش - یعنی ما برا امپریالیستها - را از سر راه خود بردارد. اما امپریالیستهای جها نخوار دیگر از جمله آمریکا، انگلیس و فرانسو که خود را مورد هجوم رقیب نیرومندی میدیدند و خود را عمیه کشور - گشائی و سلطه بر جها نی را داشتند، برای حفظ و گسترش منافع خویش بنا بر با نیستی در مقابل رقیب خود با نیستند. در واقع هیچیک از رقیبان همانطور که قبلاً متذکر شدیم بدلیل بحال مردم جها نی نسوخته بود و هر دو طرف برای حفظ و گسترش منافع یک مشت اقلیت نا چیز سرمایه داران کلان در این جنگ وارد شدند و همانطور که گفتیم این خود امپریالیستهای آمریکا شی و اروپا شی بودند که برای نابودی کشورشوراها و با بگا انقلاب جهانی به زشد و تشریف و به قسدرت رسیدن فاشیسم در آلمان کمک کردند. بهمان برای جنگ آنها با آلمان هیتلری علیرغم بوق و کرشای تسلیحاتیشان نه دفاع آزادی بشریت در مقابل هجوم فاشیسم، بلکه دفاع از منافع آزمندانانه و غارتگرانه خویش در مقابل حریف بود.

در این میان روشن است که شوروی سوسیالیستی و پرولتاریا و خلقهای جهان در دفع دنیلوک امپریالیستی نمی توانستند موضع بگیرند و تنها موضع انقلابی محکوم نمودن جنگ امپریالیستی بسود. همانگونه که لتین ناکتیک پرولتاریا در مقابل جنگ امپریالیستی را معین کرده بود یعنی با نیستی علیه جنگ موضع گرفته و جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی و با انقلاب تبدیل نمود. در ابتدای امر نیز جنگ دوم جهانی امپریالیستی بوده و تا کتسب پرولتاریا جز مبارزه علیه آن چیز دیگری نمیتوانست باشد. (ا داده ارد)

(۱) - ۲۳ اوت ۱۹۳۹ بیما نی میبش بر عدم تجاوز بین آلمان و شوروی سوسیالیستی متشد گردید. این بیما نی نقشه امپریالیستی آمریکا شی، انگلیسی و فرانسوی که میخواستند ابتدا رژیم شوروی را توسط آلمان فاشیستی نابود سازند و بعد خود میانسازار میدان شوند، را ناکام ساخت.

بقیه از صفحه ۱
جامعه ...

برآیند این تضادها جامعه را از کدام راه و به کدام سو میکشاند و نقش هیئت حاکمه در این جهتگیری کدام است.

سمت و سوی حرکت جامعه

مسئله مهمی که هم اکنون تمام نیروها، هم انقلاب و هم ضدانقلاب بر آن متفق القولند "و خامت اوضاع" کشور است. حتی هیئت حاکمه و بخصوص بنی صدر نیز که از بنیان آتشکاز این نکته اساسی شرایط حاکم بسیر کشور، ظفر میرفتند و علاقه داشتند که به مردم "پنده روشن" را ننویسند، اکنون به صراحت از "و خامت اوضاع" سخن می گویند و با عجز و لابه همدار می دهند. محورا سیاسی سخنان بنی صدر در روزهای اخیر را این نکته اساسی و اظهار آشکار و وخیم بودن اوضاع کشور تشکیل می دهد.

درواقعیت امر، "و خامت اوضاع" که این چنین هیئت حاکمه را نگران کرده است چیزی جز روند روبه گسترش انقلاب و تشدید مبارزه طبقاتی و ملی، در تمام عرصه های اجتماعی و سیاسی کشور نیست، مبارزه ای که در هر گام از آن علای خود، مصلحت تجاوزی بیشتری به حرم نظام سرما به داری و وابسته و رژیم سیاسی ایران، بخود میگرداند. انقلاب بی وقفه پیش میرود و در مسیر خود تمام می خورند و ناگهانی را که بنحوی بر سر راه خود مانع می بینند، به کناری برتاب میکنند. هیئت حاکمه نمی تواند از چنین روندی آشفته حال و پیریشان نباشد. بیبودی که میان سرنوشت سیاسی رژیم کنونی و نظام اقتصادی - اجتماعی بحران زده ای که بصورت دمل چرکینی بر پیکر جامعه تبدیل آلوده در آمده است یعنی نظام سرما به داری وابسته، زمناطی این نگرانی و وحشت از روند اوضاع جاری کشور است. در یکساله اخیر این حرکت روبه اعتلا یافت و خیزهای فراوان، گماکان ادا شده و بخصوص در سال جدید، یعنی "سال امنیت" رژیم، شدت بیشتری گرفته است. کانون های این مبارزه هر دم در سطح گسترش می یابد و در عمق نیز ریشه می دوانند. رژیم جمهوری اسلامی در طی این یک سال و اندی در مقابل جوشی با این امواج پرتلاطم، راه و روش های بسیاری تجربه کردند تا بلکه بتوانند این خیزشهای فراگیرنده را در آغاز حرکت به خاموشی بکشانند. به سرکوب نظامی و گشتا و عمریسان روی آورده و ابزار نظامی خود را بکار انداختند، به فرم دست زدند و وعده املاحت دادند، به رجم مبارزه به اطلاع خدا میرسانند، را علم کردند و دست انقلابی بخود گرفتند، بحران سیاسی ایران از یکسوی آمریکا و عراق از سوی دیگر را پوششی برای سرکوب جنبش انقلابی خلق قرار دادند و سیاست "جماعتی و نان شیرینی" را پیشه کردند. لیکن با هیچکدام از اینها نتوانستند آتش را که هر لحظه بیشتر از رژیم خاکستر سربرمی آورد و فروزایتر میگردید، به خاموشی بکشانند. سال گذشته در واقع سال شکست و با عدم کارآیی بسیاری از روشها و سیاستهای هیئت حاکمه برای سرکوب جنبش و خفه کردن انقلاب بود. در سال جدید، در مقابل با اوضاع بحرانی

کشور، به موازات روی آوری هر چه بیشتر به سیاست سرکوب نظامی و تروریستی، سیاست جدیدی را در پیش گرفت که برنا مع آن درمنشور سیاسی واحد هیئت حاکمه (یعنی پیمانهای نوروزی مردان جمهوری اسلامی) قید شده بود. جدید بودن این سیاست، از این لحاظ نبود که پیش از آن، از جانب هیئت حاکمه و با ندهای مختلف آن بکار گرفته نمی شد، بلکه از آنجا بود که این سیاست بطور سیستماتیک در سطح گسترده و همه جا نیه-

را بکار بردن این شیوه می یابد و توهم توده های نا آگاه را با بیاری می گیرد؛
"ما از مردم رای خواهیم خواست، یعنی از کل ۳۶ میلیون نفر جمعیت ایران می پرسیم آیا مایل هستید که کردستان جدا شود و یا دولتی غیرو با ضد جمهوری اسلامی در آنجا تشکیل شود؟ بعد هم اگر را بشان مثبت بود می گوئیم کردستان جدا شود و اگر هم نبود می گوئیم خودتان بروید

- در واقعیت امر "و خامت اوضاع" که این چنین هیئت حاکمه را نگران کرده است، چیزی جز روند روبه گسترش مبارزه طبقاتی و ملی، در تمام عرصه های اجتماعی و سیاسی کشور نیست.
- مبارزه طبقاتی و ملی در جامعه ما، در سربریه اعتلای خویش، چاره ای ندارد که از مسیر پرتلاطم و دردناک یک جنگ داخلی عبور نماید، جنگی که در ابتدا و شاید در طی یک دوره معین، افسار از توده ها را در برابر بخش های دیگری از آنها به صف آرا می کشاند.

و یکبرید". (از اظهارات مهندس سحابی - کیهان ۱۶ اردیبهشت)
نظرات و اجتمعات مکرری که تحت عنوان تشیع جنازه "شهادت کردستان"، از سوی رژیم سرکوب میشود و توده انبوهی را بدنبال آن میکشاند و دشمنان و های تحریک آمیز و کلاما جهت داری که در طی این حرکات بر علیه جنبش مقاومت خلق کرد و ایران و نمایندگان سیاسی آن سرزمین شود، نمونه های روشنی از اعمال این سیاست ضد انقلابی و ادا شدن بدتفاهای کاذب در میان توده های مردم و بسرنوشت شومینم فارس در برابر خلق کرد است. اعمال سیستماتیک این سیاست از جانب هیئت حاکمه، در واقع حکایت از ادامه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه دارد که اعمال شیوه های سنتی سرکوب بنسب تنها بی دربار بران فاقد کارآیی لازم است. رژیم تا حدودی در پیافته است که مبارزه طبقاتی جاری در جامعه مبارزه رشدانی است. از این رومیگوشد تا جهت این مبارزه را به نحاف بکشاند. خویش را از آماج حملات امواج مبارزه انقلابی و موج نا رضایتی خلق از هیئت حاکمه به کناری کشید و آنها را به مقابل جوشی در برابر یکدیگر بکشاند.
صف آرا شده های نا آگاه در برابر بر بخشهای آگاه خلق و نیروهای انقلابی، با تحریکات و توطئه های رژیم، این فرصت را به هیئت حاکمه می دهد که در درینا این موج مبارزه ای از توده های نا آگاه لحظاتی بیایند، به تشدید قوای خویش بپردازند، ابزار سرکوبش را نیز ترسانند و خویش را برای یک خیز جدید بسمت تشبیت یا به های حاکمیت خود آماده نمایند. سیاست رژیم بر پایه شرایط معینی و ذهنی موجود در جامعه، جامعه را بطور اجتنابنا پذیری در جنبش جهتی بحرکت درمی آورد و به سمت یک جنگ برادر کشی و تشدید تضادهای کاذب و به تعارض کشیده شدن تضادهای فرعی، و در یک کلام برآه افتادن یک جنگ داخلی سوق میدهد. مجموعه شرایط و عناصر عمل کننده در جامعه، چنین روندی را بصورت یک منیرا اجتنابنا پذیر برجا میهم تحمیل نموده است. مبارزه طبقاتی و ملی در جامعه ما در سربریه اعتلای خویش، چاره ای ندارد که از مسیر پرتلاطم و دردناک یک جنگ داخلی

ای در پیش گرفته شد. این سیاست چیزی جز تشدید جنگ داخلی و برادر کشی، به منظور به انحراف کشاندن سمت و سوی مبارزه طبقاتی و ملی، قرار دادن بخشی از مردم در برابر بخش دیگری قرار دادن توده وسیع مردم نا آگاه در برابر نیروهای انقلابی و بسوسنزه انقلابیون کمونیست و با لخره بوجود آوردن یک فضای فاشیستی و تحریک آمیز بر علیه این نیروها، نبود: "مردم هر شرمی بعضی اطلاع از اعتصاب هر کارخانه خود را به آنجا برسانند و ببینند آن چه می گویند. باید ضد انقلاب را شناسائی و به مردم معرفی نمایند. مردم شریف ایران دیگر نمیتوانند حقوق بی جهت به عده ای از خدا بی خبر دهند."
(پیمان نوروزی آیت الله خمینی)

و بنی صدر نیز گفت:
"اگر از پشت رادیو و تلویزیون شنیدی که من گفتم در فلان شهر آشوب شده، اگر آن میکشیدی زمین بگذا و برو."
در پیش گرفتن این روش نوین سرکوب، در کنار روش سرکوب نظامی و تروریستی که بخصوص در هفته های اخیر شدت بیما بقه ای گرفته است، اشکاس بن بست رژیم جمهوری اسلامی در اعمال حاکمیت خویش بر کشور است. در جریان رویدادهای دانشگاه، رژیم بخوبی از این روش و سیاست، برای تامین اعمال حاکمیت خود بر این نهاد دموکراتیک کردن کانون مقاومت دانشجویان، بهره جست. و در روزهای بعد از این حوادث، جبهه تبلیغاتی وسیعی از جانب هیئت حاکمه برای برانگیختن احساسات توده ها بر علیه نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست و تمام توده های آگاهی که در کانون های مختلف بر علیه ارتجاع به مبارزه برخاسته اند، آغاز گشت و هم اکنون نیز ادا می دهد. این تبلیغات در واقع زمینهای ذهنی سرکوب همه جا نیه این نیروها از طریق ایجاد یک مسیح توده ای همراه استفاده از ابزارهای سرکوب، فراهم می نماید. رژیم اعمال چنین سیاستی در کردستان را نیز ننوید میدهد. اکنون که سرکوب و گشتا و عمریسان نظامی خلق کرد، در برابر بدعظمی از مقاومت قهرمانانه خلق کرد و پیشمرگان قهرمانان بن بست و شکست می گزاید رژیم چاره

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

عبورنما بد، جنگی که در ابتدا و تا بددر طی یک دور ه (یعنی تا زمانیکه ارتجاع بکلی منقرض گردد) اقلاری از خوده‌ها را در برابر برپیشهای دیگری از آنها قرار می دهد و کشور را درگیر یک برادرکشی می نماید. اما در سال گذشته نسبت به این روند و سیر حرکت جا معسه هندا ردا دیم و بر اجتناب نا پذیري آن تا کیستند و زریذیم، سیروا قعیات سیاسی جا معه، صحت ایستین تحلیل را اثبات می نماید، و در حال حاضر بر روشنی میتوان نشانهای بارز این روند و سمت و سوی ناگزیری را که جا معه بر سرآوردن حرکت می نماید، در گوشه‌های مختلف کشور و در صحنه سیاسی و مپسارزه طبقاتی جا معه مشاهده نمود.

بی هیچ تردیدی طی چنین روند در تناکی موافق تمامیل و آرزوهای ما نیست، ما خواهان میسارزه طبقاتی و واجگیری آن هستیم، لیکن خواهان جنگ داخلی و برادرکشی نیستیم، اما تمامیل و آرا ده ما در نشیرو جهت مسیری که جا معه برپا میکند سلسله عوامل و علل عینی و ذهنی می بینیم، یعنی توانستند تا شبر تعیین کنند ه ای داشته باشند. ما می توانیم این روند را کوتاه تر کنیم، اما منته عملگر در جنگ داخلی را که هش دهمیم، مبارزه طبقاتی را با سرعت بیشتری از درون این جنگ اجتناب نا پذیردا غلشی فرارویا کنیم، لیکن نمی توانیم از تمیل این روند بر جا معه جلوگیری نکنیم، هر کس این نکته را درک نکند، نشوا نشسته مهمترین ویژگی وضعیت کنونی را درک نماید.

چرا میگوئیم این روند اجتناب نا پذیر است؟ برای روشن شدن این مسئله با دیدنه زمینه های ذهنی و عینی حرکت جا معه در چنین جهتی اشاره نمائیم.

زمینه های بروز و تشدید جنگ داخلی

۱- بحران سیاسی که هم اکنون جا معه از سر می گذراند، ادا مه بحرانی است که در طول دوسا له گذشته پهبوشه ادا مه داشته و در مقطعی از ادا مه و خویش، رژیم پهبوشه سلطنت را به اعماق تاریخ فرستاد. جا معه شای در قدرت سیاسی و تحریکی قدرت در دست بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه نشینی، این بحران که ریشه در سیستم گذشته سرمایه داری وابسته داشت، پهبوشه با بان نگرفته، بلکه با افت و خیزهای کما کسان ادا مه یافت. و یک لحظه جا معه را در حالت سکون و قرار باقی نگذاشت.

با بان دادن به این بحران تنها یک راه حل انقلابی میخواد که بورژوازی و خرده بورژوازی قادر به ارا ثا بان راه حل نیستند. راه حل قطعی ایستین بحران در گروه گرگونی بنیادین نظام مصلط بسر جا معه و استقرار یک نظم نوین انقلابی است و ایستین نیز جز با قرا رگرفتن پرولتاریا در رهبری انقلاب میسر نمی باشد. بورژوازی که هم اکنون بر قدرت سیاسی جا معه چنگ انداخته است از آنجا که حفظ و یا ز سازی این نظام و وضعی نهادهای سرمایه دارانه است، هم اکنون خود در برابر برحقق این تحول انقلابی قرا رگرفته است و خود عامل دیرپای این بحران در جا معه و کشانده شدن آن بسمت یک گمیختگی قریب الی وقوع است. هر چند که خود بشدت خواهان استقرار نظم و ثبات بورژوازی سیستم، از هر طریق ممکن است، خرده بورژوازی مرفه نشینی نیز که سرنشست سسسا سرنشست بورژوازی و سیستم موجود که خرده است، نه تنها تا در به با زگردانیدن ثبات به جا معه نیست (علیرغم تمامیلش) بلکه بدلیل تاریک اندیشی و

خلعت واپس گرایی نه و گرا یشت تا زینجا ارتجاعی تفکرش از یک سو و نشا دهایی که با خودا بین سیستم چه از لحاظ روبنای و چه از لحاظ زیربنایی دارد، نظامی را که سهمی از آن بدستش سپرده شده است، به دست خویش به نا بودی می کشانند! علیرغم آنکه شدیداً از این نا بودی خود در وحشت است، استقرار یک نظم نوین در چهار چوب نیروهای مصلط فعلی بر قدرت سیاسی و ایجاد ثبات آن، امکان پذیر نیست و

نیست که بخشهای از خوده‌ها در مصلط بالائی از مبارزه سر می برنند و بخشهای وسیعی از آن در حالت بسی - تفاوئی و با در مصلط نازلی از مبارزه با ارتجاع سر می برنند. مسئله این است که در برابر آن بخشهای از خوده‌ها که مبارزه شان در اعتلا و به تنها اعتلا، که در وضعیت انقلابی قرار دارد، بخشهای دیگر - فمالانه از حکومت دفاع می کنند و خود را مدافع پشتیبان آن میدانند، چرا که گمان میدانند این

۳ سال گذشته، در واقع سال شکست و یادم کاراکی بسیاری از روشها و سیاست های هیئت حاکمه برای سرکوب جنبش و خفه کردن انقلاب بود.

۴ رژیم واحدی در برافته است که مبارزه طبقاتی جاری در جا معه، مهارت شدنی است. از این روی کوشند تا جهت این مبارزه زا به انحراف بکشانند، خویشتن را از آماج حملات امواج مبارزه انقلابی و موج نشا رضایاتی خلق از هیئت حاکمه، بکناری کشند و آنها را به مقابله جوشی در برابر یکدیگر بکشانند.

حکومت هنوز می تواننده خواهده ای آنها در انقلاب با سخ گوید، رژیم در دست با انگشت گذاردن برای ایستین مسئله ما می است که می توانند سیاست توطئه گرانه خویش را برای به مقابله کشانیدن خوده‌ها در برابر یکدیگر اعمال نما بد و در سر برزنگی، با بسک فرمان توده کثیری را بدستبال خود روان سازد و به این شیوه جدیداً ما بنا بیت توطئه گرانه و کشف سرکوب دست باز د.

۵ - عدم وجود یکپارچگی در قدرت سیاسی حاکم و وجود بیلوک ای منتهدی که چه در درون حکومت وجه در خارج از آن در بی سهمی از قدرت با دا ورده، روانند و سر روی یکدیگر نتیجه می کشند، گرا یشت تا فئودالیسی روحا نسبت از یک سو و وجود جریان طبقاتی مختلف در آن مجموعاً سبب میشود که یک قدرت سیاسی متحرکیز و یکپارچه طبقاتی نتواند خویشتن را در صحنه سیاسی جا معه مستقر نما بد و ثبات را به سیستم سیاسی حاکم باز گرداند، عطف قدرت طبسی، بخصوص در میسبان جناحهای مختلف روحا نیست، درگیری و بحران سیاسی در ارضیت حاکمه و محافل مختلف پیرا اون حکومت دا من میزند و حالت نا با بداری آن را فرو نتر می سازد، انعکاس این تفاو دهها و درگیریها در بیایستین مستقیماً نشا دهایی مختلف قدرت حاکم را از هم گسیخته می نماید و هر یک را در تبول یک جناح از قدرت حاکم و یا خارج از آن که امکان تسلط بر آن را داشته است در می آورد. علاوه اینکه هر کدا م از فقهیهای سیاسی در بلا، توده ای را بدستبال خود روان ساخته اند که در وقت مفتضی آنها بر علیه جناحهای دیگر و یا بر علیه نیروهای انقلابی و جنبش انقلابی توده های آگاه به راه می اندازند و بر وسعت بحران و درگیری می افزایند.

۶ - از طرف دیگر اگر چه نرخ رشد نیروهای انقلابی بسیار است و این نرخ رشد حتی روزانه افزایش می یابد، لیکن هنوز یک قطب قوی انقلابی که بتواند توده های وسیع نارا می و کشنده شده از زیر بار در پشت سر خویش متشکل سازد و جهت و سوی سیاسی آن را آگاهانه تعیین نما بد وجود ندارد، سبب این است که جنبش انقلابی و کمونیستی نیز بدلیل شستست و پراکنندگی درونی خویش دچار بحران میسبانند و نیروهای سیاسی انقلابی کنونی، هنوز به تنهایی نتوانند از آنجا که در پیچیده چنین کار بر آید. ایستین واقعیت، باعث میشود که روند حرکات خود بخودی توده های نا آگاهانه افزایش یابد و از حاکمیت بسک جریان آگاهانه، جهت دار بر خود را رضانند، ایستین بخیه در صفحه ۱۸

۷ - بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه نشینی، قادر به قاشق آمدن بر بحران اقتصادی - سیاسی فعلی نخواهند شد و جا معه سرعت بسمت گمیختگی و تشدید تفاو دهها و فروپاشی شدگی سیستم موجود و افزایش عدم ثبات حکومت و تشدید نشا با انقلابی جا معه به پیش خواهد رفت.

۸ - بحران اقتصادی و وضعی متوا فاع معیشتی توده ها که فلاکت و قحطی و دهها عوارض اقتصادی دیگر را برای جا معه به ارمغان آورده است، خلعت افشاری به مبارزه طبقاتی توده های زحمتکش جا معه بر علیه نظام مصلط می دهد و در بر نیست که خودا دشی همچسبون بند را نزلتی در نقاط مختلف کشور بصورت شورش های ناشی از نشا ر اقتصاد متجلی گردد، یعنی صدر که خود این مسئله را می داند، چه خوب آنرا در قالیسب کلمات بیان میکند و چه نا با زار هندا ر می دهد که: "اگر سبب بنیاد همه ما را با خود خواهد برد (نقل بمعنی از سخنان بنی صدر در اجتماع با زاریان قبل از زید)، این فلاکت اقتصادی که با ارا طلی آن بدروش کارگران و زحمتکشان جا معه سنگینی می کند، با ر میسارزه طبقاتی را در جا معه بشدت افزایش میدهد و آنسرا برجسته می کند، صفوف طبقات تحت تا شرایین بحران شفا قیبت بیشتری بخودی میگرد و خلعت طبقاتی مبارزه عمومی خلق را بشدت افزایش می دهد.

این ویژگی باعث میشود که بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان در حالتی به صحنه مبارزه طبقاتی پرتاب شوند و در برابر نظام مصلط اقتصادی و سیاسی کنونی صف آرا می نمایند که توده وسیعی از خرده - بورژوازی هنوز از رژیم گذشته نشا ده شده است و نسبت به آن در توهم و خوشبایی وری بسر برند، این وضعیت بدون شک نمی تواننده یک صف آرا می اجتناب نا پذیر در رنگ مقلع معین اما گذرا میان این دو بخش از توده های خلق نشا نجا مد.

۹ - ویژگی دیگر مبارزه طبقاتی و ملی در جا معه ما، نا همگونی در بخشهای مختلف جنبش توده ای است. بخصوص می سببیم که در حال که مثلا در کردستان سطح جنبش بدان حد اعتلا یافته است که خلق کرد را به مقابله و مت مصلط نه در برابر ارتجاع میکشاند، در بسیاری شهرها مثلاً در شهری همانند صفهان یا مشهد یا قم، توده وسیعی از مردم، هنوز نا آگاهانه مدافعین حکومت کنونی اند و در بی آن روان شده اند این اختلاف سطح فاحش در سطح مبارزه سیاسی توده های میهن ما بطور عینی زمینه تفاو بل بخشهای مختلف توده ها را فراهم میسازد و امکان بهره برداری ارتجاع را از موضوع بوجود می آورد. مسئله ایستین

در شهرهای مختلف کشور:

گشتار در کردستان و دانشگاه محکوم شد

☆ شیراز

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲ اردیبهشت ماه مهستیگی تحت عنوان "چرا رژیم این چنین وحشیانه نگاهها و کردستان را بخاک و خون میکشد؟" از طرف دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیگام برگزار شد. این مراسم که بمنظور محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه رژیم برپا شده بود با اعلام یک دقیقه سکوت بخاطر بزرگان فتنه با شهیدای اول اردیبهشت دانشگاه آغاز شد. سپس یکی از رفقای هوادار ضمن سخنانی بسیار راه تحلیلی از اوضاع سیاسی کنونی علل اساسی بورژوازی ارتجاع به کردستان و دانشگاه را در شرایط کنونی توضیح داد. شعرهایی که در حواله بر نوا می خوانده میشد و اخبار جدیدی که از کردستان در اختیار جمعیت گذاشته میشد، شور انقلابی با شکوهی به فضای مراسم پیوست.

رفیق اردان دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان در بیان برنامۀ ضمن سخنانی تحت عنوان "ضرورت وحدت عمل نیروهای مترقی سیاسی - دانشجویی" به تشریح موضع اصولی و انقلابی هوادار - ان در دانشگاه و برپا شدن و برخورد با مواضع متزلزل برخی گروهها و دانشجویان اتحادیه سوسیالیستی و مقاومت جویان و اتحادی در مقابل بورژوازی ارتجاع به دانشگاهها را خواستار شده و دیگر گروههای انقلابی دانشجویی را به وحدت عمل دعوت نمود.

☆ مسجد سلیمان

روزشنبه ۵۹/۲/۶ راهبیمائی با شکوهی بمنظور محکوم کردن تهاجم وحشیانه رژیم به کردستان و دانشگاهها برگزار شد. این راهبیمائی بدینصورت هواداران "سازمان بیگام در راه آزادی طبقه کارگر" از فلسفه بنیادین آنجا زدودن و نابودی خبیانان اصلی شهر را قرار داد. قطعنامه راهبیمائی بیان رسانید. در این راهبیمائی گروهی از مردم مسلح و نیروهای انقلابی مسجد سلیمان شرکت کرده و نشان دادند که هیئت حاکمه قادر نیست با تسلیحاتی که در اختیار دارد از قبیل "انقلاب فرهنگی" و "جنگ با عراق مردم را فریبدهد و از این طریق دانشگاهها و کردستان قهرمان را بخاک و خون بکشد. آنها شعاری دادند: "کردستان، دانشگاه پیوندان مبارک"، "کردستان، کردستان، گورستان فاشیستان". "دانجوا! مقاومت، مقاومت، از سنگر آزادی محافظت".

قطعنامه ای که در بیان راهبیمائی قرائت گردید، ضمن تحلیل درستجویی مبارزان دانشگاهی توطئه رژیم را که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" می خواند این کانون همیشه جوانان انقلابی را سرکوب کند. افشا نموده و جناحیت اخیر رژیم را در دانشگاهها و کردستان که در قیام در ارتباط با همند، شدت محکوم کرده است. قطعنامه فریبکارانه هیئت حاکمه را در مورد راهبیمائی و جنگ زرگری اش با رژیم بیعت عراق را رسوا و خنده در بیان خواستار آزادی کلیه دانشجویان زندانی، آزادی فعالیتها و منصفی سیاسی دانشجویان شده و سپس از کلیه نیروهای انقلابی دعوت نمود است تا متحد توطئه های خبیانان - کارانه رژیم را درهم بکوبند.

☆ آبدان

روزشنبه ۵۹/۲/۸ "بعثت" سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر"، "گروه کلسرخ" و "سازمان بیگام در راه آزادی طبقه کارگر" نظارات با شکوهی بمنظور دفاع از دانشگاه و همچنین محکوم نمودن سیاستها در کردستان و گشتار خلق کرد برگزار گردید. این نظارات که با استقبال وسیع مردم شهر و روستاها برگزار شد و نفرت مردم از گشتارهای اخیر و بیخیزه جنتا ت هولناکی بود که در جریان حمله ارتجاع به دانشگاهها صورت گرفت. در طول راهبیمائی مردم دسته دسته بیجا و چه راهبیمائی با می بسوزند و هم - صدا با هم جنتا ت رژیم را محکوم می نمودند و افسوس علیه رژیم ها را می شنیدند. در طول راهبیمائی بود که را دیو آبدان علیه هرگونه نظارات، برآورداخته بود. طبق معمول عده ای اوباش و اذل در انتهای صف راهبیمائی حرکت کرده و قصد برهم زدن این نظارات را داشتند. ولی این عده توسط کارگران کسری که در بیان رزمندگان مبارکان می کشیدند و روسا رفتند. کارگران کردبا احساس غرور و اشعار رهبری کوبنده ای که توسط راهبیمائی علیه سرکوبگران خلق کرده اند می شنیدند و با رزمندگان، خشم خود را از سیاستهای رژیم نشان دادند.

نظارات تا مقابل سینما رکن آبدان ادامه یافت و در انتهای همدردی با خواننده های سازمانندگان با جمعیت رکن که برای افساسی پیرونده آن با جمعیتها که ما ملین جنتا ت رکن آن متضمن شده اند، ضمن صدور قطعنامه ای با بیان پذیرفت قطعنامه ضمن محکوم نمودن جنایات اخیر رژیم در کردستان و دانشگاهها و اعتراض به اعدام انقلابیون و امارت آنها خواستار افشای پیرونده فاشیسم و سرکوبگری و ازارت آنها ملین این فاشیسم شده بود.

☆ آمل

روزشنبه ۵۹ اردیبهشت ماه بعثت هواداران سازمانها و گروههای سیاسی از جمله هواداران سازمان بیگام در راه آزادی طبقه کارگر را - به ما می بمنظور محکوم کردن تهاجمات اخیر رژیم به کردستان و دانشگاهها همچنین تحلیل از شهیدای دانشگاه برگزار شد. در این راهبیمائی که با استقبال مردم و روستاها که در اهالی حمل میشد که بر آنها نوشته شده بود: "خون سرخ شهیدای اندیمشک کردستان و دانشجویان مبارزان انقلابی، الهام بخش مبارزان مبارکان و فدای مبارکان یعنی مردم ما است". راهبیمائی با شعار می دادند: "زحمتگان بدانید، آذربایجان ما دوباره تکرار شد" و "گشتار در کردستان گشتار در دانشگاه علیه زحمتگان بنفع امپریالیسم".



انقلاب فرهنگی همچنان ادامه دارد

روز پنجشنبه ۵۹/۲/۱۱ از طرف دانشمندان "انقلاب" به بروجرد اعلامیه ای صادر میشد که در آن از دهکده های کتا بفرشی کتا رخیان ها بعنوان "مراکز فساد و فحشا" یاد شده و ۲۴ ساعت مهلت برای برچیده شدن آنها میدهند. لکن ما موران دانشمندی انقلاب یعنی جانتا ران و جانتا کوشان خرفه ای زود ترا مهلت مفرط به کتا بفرشی ها حمله ور شده و با آتش کشیدن کتا بها، با ردیگر دشمنی خود را با علم و آگاهی بنمایش می گذارند. در این "انقلاب فرهنگی" کتا بفرشی هواداران سازمان بیگام در راه آزادی طبقه کارگر و از طرف هم حزبیهای "انقلاب فرهنگی" خود را چارمی - شونده که به خانه های انقلابیون و مبارزان زمین شهر حمله ور شده و آنها را نیز آتش کشیدند. بدینال این تصمیم به سراغ خانه کتا بنیادی سازمان بیگام در بروجرد میروند که بنا مخالفت همسایه ها با روستا شده و تنها به شکستن شیشه های خانه اکتفا می کنند!

حمله چماق داران "حزب الله!" به خانه رفیق قاسم عابدینی در بروجرد

مدتهاست که در رودسته، حزب جمهوری اسلامی، فرمانداران و دانشمندان انقلاب و یادی آنها از روحیه مبارزه جویانه و حساسیتی تا پذیرفتن اوضاع سازمان در بروجرد (با اندر هجای دیگر) دشمنیها و نظارت روزی را می کشیدند که بشوا نند مستمکی بدست آورده و پیش خود را به این فرزندان انقلابی مردم بروجرد فرستادند و فعالیت انقلابی افشاگرانه و مبارزاتی آنان به اصطلاح جلوگیری کنند. این هدف چندین بار با آتش زدن کتا بفرشی ها و از جمله کتا بفرشی رفقای هوادار سازمان و همچنین حمله به دهکده ها و باسطها می که روزنامه "بیگام"، ۱۶ آذر ۱۳۰۲، بیان و با برضربا ت سازمان و هواداران آنرا می فروختند، دنبال شده. اما با سلطت مقاومت و روحیه رزمندگان رفقای هوادار که طبیعتاً از پشتیبانی توده آگاه مردم بروجردا ر بوده است رهسپار نشی نرید.

دارودسته فوق الذکر بعد از اذتارک همه جا نبه ای که هیئت حاکمه برای سرکوب انقلاب آغاز کردند و از اشغال دانشگاهها و حمله مجدد به کردستان شروع شده و تعدادی از دانشجویان انقلابی را به شهادهت رسانده و با محروح و دستگیر نمود، بالاخره روز مؤسسود را یافتند! جنازه یک مبارز اذتارک فذای جنگ افسروزی و اهداف مرتجعانه هیئت حاکمه در کردستان نه شده بود، مستمکی دشمن برای زمیندهی و حمله وحشیانه به کتا بفرشی ها که توسط مبارزان جانتا ران در رهبری شده و تعداد معدودی از دانش آموزان و توده های سازمان را از بدینال خود اذتاره بودند.

بعد از آتش کشیدن و تخریب کلیه کتا بفرشیها و متفرقی و دهکده های وابسته به آن (از جمله دهکده ها و کتا بفرشی رفقای هواداران سازمان) طرفداران "حزب الله" یعنی مبارزان سازمان را که سعادتای جمعه در صفحه ۱۲

گرامی باد خاطره رفیق شهید هادی فرجاد پزشک

"بسی ما و امیربا لیم دره" عمیقی وجود دارد که
با یاد از خاکستریست با پروند."

(هوشی مین)

چهار سال پیش در دوازدهم اردیبهشت ۵۵ یکی
دیگر از رفقای ما جان خوش را در راه مبارزه با پیکرو
آشتی نا پذیر با امیربا لیم و عمل داخلیش و در راه
رفقای کارگران زحمتکشان مینماید کرد.

رفیق هادی فرجاد پزشک (سعید) در سال ۱۳۳۳ در
خانواده ای متوسط در شهر شهید دنیا آمد و بیست و یک
تمام تحصیلات دبیرستانی به پایان رسانید و اقتصاد
شهر را راه یافت.

فعالیتها ی صنفی - سیاسی او در دوران دانشجویی
شماره های زیادی گرفتند تا تشکیل کتایب و نشریات
در فعالیتهای صنفی، زمینهای بود که رفیق را
هر چه بیشتر به مسائل روز آشنا تر کرد. آگاهی او نسبت
به مسائل سیاسی جامعه و وظایف آنها و به عنوان یک
روشنفکر انقلابی می توانست به بعد بگیرد او را -
داشت که با سازمانهای انقلابی آشنواری که به گویا
در میان خون و آتش علیه رژیم خونخوار شاه مبارزه
می کردند تماس بگیرد و سرانجام توانست در تابستان
۵۴ به عضویت بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق
ایران در آید. او در شاهنشاهی به فعالیت انقلابی
خود مشغول شد. زمانیکه او به سازمان بهیوست معارف
بود با ضربات سختی که در تهران و شهرستانها به بخش
منشعب و دیگر سازمانهای انقلابی وارد می شد و
رژیم شاه وحشیانه ترین روشها را علیه انقلابیون جهت
سرکوب آنها بکار می برد. ولی شور و شوق فسران او

رفیق عشق و علاقه ای که به خلق داشت و کینه ای که
نسبت به رژیم فاشیستی و وابسته امیربا لیم شاه
در دل می پروراند او را در راهی که انتخاب کرده
بود هر چه ثابت قدم تر و بی ترس تر می ساخت.
رفیق که پیش از پیوستن به بخش منشعب آید -
شولویز طبقه کارگر را پذیرفته بود، با روحیه سختی -
نا پذیر یک کمونیست با مشکلات برخورد می نمود و
علیرغم مدت زمان کمی که در سازمان فعالیت نمود،
توانست در احیاء فعالیت انقلابی سازمان در مشهد
پس از ضربات سنگینی که بدان وارد آمده بود، نقش
چشمگیری ایفاء نماید.

او در موضع مسئول تشکیلاتی مشهد فعالیت می -
کرد و بسیار با استعداد، پرکار و خلاق و با هوش و مادی بود.
در ۲۲ اردیبهشت ۵۵ هنگامیکه رفیق برای تخلیه
یک انبار سازمانی رفته بود، با مزدوران ساواک
درگیری نمود. این انبار در شهرک "ساختان" در حومه
مشهد قرار داشت. یکی از رفقا که در آن زمان تحت
مسئولیت رفیق فرجاد پزشک فعالیت میکرد میگوید:
"محل انبار گویا بوسیله ما دما خیزان که
عتمری ساواکی بود لورفته بود. رفیق دیگری که
مسئول انبار بود، فعلا به آنجا سرزده و دستگیر شده
بود. او و مسلح نبود و به حس ایدم محکوم شد. برای
ما مشخص نبود که رفیق مسئول انبار کجا دستگیر شده
است و ما توجه به محله کردیم و دستگیری های وسیع
خسانه ای آن روزها در مشهد احتمال می دادیم که او
در شهر دستگیر شده است. ما از سرورن او به انبار حرس
نمانیم (در آن زمان هنوز این سیستم را که قبل از



مراجعه به انبارها و خانه ها می گماشت علامت بر زمین و بعد
با یک کتیبه اجراء نمی کردیم.)
"رفیق هادی وقتیکه به انبار نزدیک میشود،
بوسیله ما موران ساواک که از قبل در محل مستقر شده
بودند محاصره میشود. او علیرغم محاصره شدید منظم
با روحیه ای رزمنده دست به مقابله می زند و با برتاب
نازنجک به طرف ما موریس و زخمی کردن تنی چند از
مزدوران، از حلقه محاصره خارج میشود و با همراه
و انت با برای دور شدن از دسترس پلیس بطرف شهر
حرکت می کند. فاصله ۱۵ کیلومتری شهرک "ساختان"
تا مشهد را در حالی که مزدوران در تعقیب او بودند با
جنگ و گریزی می نماید. بعد از آن به علت توقیف
و انت در راه پنهان (پنج راه پنهان) می پند
از آن پناه داده و با همراهی موتور، به فرار خود
از جنگ پلیس ادامه می دهد و او را در ایلوا رگمبندی
میشود. در این خیابان نیز جنگ و گریز او با مأموران

ولی مزدوران می توانستند ما شین به او نزدیک
شوند و گویا همین زمان موتور به زمین می افتد و
رفیق که دیگر جرات نداشت بعد از تلیک آخرین
گلوله های سلاح خود او استفاده از قرص سیانوریدست
ما موران جلاد رژیم می افتد و به شهادت می رسد.
در اینجا تذکراتی که لازم می دانیم گسه
در آن شرایط سخت و جنگ و حتی شایه ای که جلادان ساواک
و کمیته برای نابودی هسته های انقلابی و انقلابیون
بکار می بردند عملیاتی نظیر ما در راه مبارزه با
موتور مری طبیعی می نمود. انقلابیون در جنگسال
ساواک و در شهادت های نا برابری که بدانان تحمیل
می شد، گناهنا گزیر می شدند علیرغم میل خود، انجمن
سل با وسیله ای دیگر را محاصره کرده و از جنگ دشمن
فرار کنند تا بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل
نمایند و در این حال با جانی که انجمن را با رگ
کرده و رها نموده اند به اطلاع ما حش می رسانند با
اگر می توانستند آنرا جبران می نمودند. رفتار
انقلابی رفیق فدائی شهید احمد زبیر که به هنگام
درگیری با دشمن ناگزیر شده بود در برابر سربازان
را از او بگیرد و در آن حالتی بول با رجا سگ او
داده بود، زبا نزدیکانی بود که در آن فعالیت
های مبارزاتی آن زمان را شغبت می نمودند.

با شهیدانی که در آن شرایط دشوار، در آن زمان
که انقلابی نماهای امروز اجرات کوچکتر
اندامی علیه رژیم نبود، برتسلیم و سازش نبود
نشان دادند و در راه مبارزه با امیربا لیم آمریکا و
عمل داخلیش برای رفقای زحمتکشان سوازیبا
نشان خند، هموار در تاریخ مبارزات در خاندان زحمت
کشان و روشن فکران انقلابی مینماید. این است.
با در رفیق هادی فرجاد پزشک در جبهه مبارزه با
شهادت گرامی باد.

برگه از صفحه ۱۳
حمله...
از توده های نا آگاه و شهر و روستا (گوشه) را با خود
همراه نموده بودند حمله به خانه های انقلابیون را
آغاز کردند. خانه پدری رفیق قاسم عابدینی نیز یکی
از هدفهای آنان بود. تعداد معدودی از همین افراد
که بوسیله ساواک در آن بنا بر رهبری می شدند و
عده ای از آنها مشخصاً از مزدبگیران فرماندار سابق
و فعلی) و همچنین حزب جمهوری اسلامی هستند و همیشه
برای این قبیل اعمال ضد انقلابی فرستاده میشوند
به خانه ای که خانوادۀ رفیق عابدینی در آن سکونت
دارند حمله ور شدند. آنها پس از کشتن شیشه ها و زرد
خانه و همه جا را زیر و زور کردند و خیال باطلشان
بدنیال و سائلی مربوط به فعالیت انقلابی رفقای
هوادرمانند چاپ و... همه را گشته و بعد از آنکه یک
دوربین عکاسی (و شاید دیگر) که ما هنوز دقیقاً
از آنها اطلاع نداریم) با خود "غیبت" بردند،
"حزب الهی" ها "قصد" شدند تا به آتش یکسند که
این کار توسط پاردمیانی و جلوگیری مردم محصل و
همسایه ها انجام میگرفت.
حالا برای مردم ما زبر و زور و توده های نا آگاه
در ارتباط با این تجاوزات و زور و زور رژیم شاه را
بفید نموده است، سئوالهای زیادی مطرح است: چرا
این "طرفداران" "حزب الله" که بقول خودشان در "خط
امام" هستند دوباره اصطلاح "هدا میربا لیم" هم می -
نمانند به خانه نواده، یک رفیق سیاسی که با آنها بر علیه
رژیم شاه و امیربا لیم و استکان داخلی اش مبارزه

نفسه از صفحه ۱۴



هنرمقاومت هنرپولتری

چهره عریان روزیونیسم در هنر

مسافرین راه سرخ

شعر "مسافرین راه سرخ" را فریخ ح-م
محل کارگر، با نام مستعار گیارا برای ما
فرستاده است. قسمت‌های از این شعر را می-
خوانید:

مسافرین راه سرخ
ما را همان
راه بیوندها است
راه بیوندها راهی سرخ
راه بگا نه هنرمزین
راه کارگر
راه نزدیکی به راهی
راه مشخصتر
راه سرزگر

آی... آی
چکشت را برادر
کارگر!
که زمان بیکارها فرارسیده است.
آی... آی
داست را برادر
بزرگ!
که زمان رهاشی از شما فرارسیده است.
راه ما
راه جنگ است
تا رسیدن به ستاره‌های سرخ
و چیدن آنها
با بهار زمان آورند، بیانی خالی از اشتها...
بشکاف
که تا صبح چیزی نمانده است
ما مسافرین راه سرخ
مقدرا یافته ایم
و در امتداد جا‌دهای رنج
بیکار می‌کنیم

بشکاف نش شده اند و تبلیغش کرده اند، بلاندریست
ما هیتا همگون هنری بوده است که هیئت خاکمه‌فند
خلقى انا عدا ده است و مهرتائیدبؤن زده است.
هیئت خاکمه چگونه هنری را مورد قبول قرار
دا ده است؟ چگونه هنرموردبشکافى حزب توده
ما هیتا با آن سازگارى داشته است؟

مدت ۱۵ ماه است که سیمانها، کماکان محلل
ناخت و تا هنرا میریایستی و هنرروبا بیور فند
انقلابی هستند. اخلاقیات مزورا نه بورژوازی مقننه
ونقاب از روی برداشته است و بربردهاى که هیئت-
ترین امثال در آن سرهنه میگردند با روحیاتی که
امیریا لیسینا مبلغ آتند، همگونی خود را بنا برده
است. آنآنیای ایجا رات لیلمازی هروروهو
شت با امیا زنا مدهای رسی به خورد بردن آکا ه و
نحت سمداده مسمود، در این میان آنارو سونیستی
همی صفت سمانده اند و هیئت خاکمه سمان داده است

نازلترین، بدست‌ترین و غیرخلاقانه‌ترین هنر
دلفک منشا نه‌وسی روح محسوب میگردد. هنری که
در تمام کشورهای "برادر" از طریق مطبوعات و رادیو
تلویزیون بگونه مبتذلی راه انحطاط، رواج معنویات
بورژوازی و بی بندوباری را در پیش گرفته است و
همراه آن به تبلیغ ایده‌های بورژوازی، به تبلیغ
آستانوسی "سوسیالیسم" نوع جدید زینبگانه سرمایه
داری، به تبلیغ همزیستی ممالمت آمیز "انسانی"
مبادرت می‌ورزند.

هنری که فراموش کرده است باید "بخشی" از سر
مشارک پرولتاریا، بنیچ و مهرهای از یک مکانیسم
عظیم سوسیال دمکراتیک شود (۲)
جوخاری زمانی - آن زمان که در جینس راه
سوسیالیسم، راه سرمایه‌داری را در هم می‌کوبید -
به هنرمندان ما رکمیست آنجا کینه‌توزانه حمله می‌کند
ومی‌گفت "فیلماهی چینی نمونه طرز تفکر دگما تیک
و ضد هنری هستند، آنها" احساسات را محسم نمیکنند"
"هنرمند چینی با دگما تیسوم و منطق به تنهائی نمیتواند
فیلماهی خوب بسازد" (۳) و این متعلق به دورانی
بود که در چین دیکتاتور پرولتاریا حاکم بود و در
"قرا رکمیته مرکزی حزب کمونیست چین در سارنه
انقلاب فرهنگی پرولتاریا" تا کید میگفت: "در
حال حاضر هدف ما برای تسهیل در استحکام و ورشد و
تکامل نظام سوسیالیستی عبارتست از مینا ززه و در هم
کوبیدن آنآنکه در موضع قدرتند و در راه سرمایه‌داری
گامنه‌دها ندوا نقطا دوطرد "منقدین" آکا دمیک
بورژوازی مرجع و ایدئولوژی بورژوازی و سایر
طبقات استعمارگر تغییر آموزش و پرورش ادبیات و
هنر را لافراه تمام به تنهائی دیگر رونیای اجتماعی که
بازیرنیای اقتصاد سوسیالیستی وفق نمیدهد" (۴)
اما مطمئنا امروز که با نفوذ در چین از رهبران راه
سرمایه‌داری آگاه هیئت شده است و دستاورد های
دوران دیکتاتور پرولتاریا، بی برده‌پوشی محکوم
میگردد، جوخاری نمیتواند علیرغم همه جنگ و دندان
نشان دادند که ای خدا انقلابی دولتها شان در دل احساس
رضایت ننمایند. بگذریم، هدف اصلی ما در این مقاله
ترسیم شرایط جهانی هنر روزیونیستی نیست، هر
چند خود مقوله است که امروز هنر ما رکمیستی منحسو
میرمی نیازی به مینا ززه با آن دارد. نکاتی که بصورت
مقدمه ذکرند تنها اشاراتی است به هنر روزیونیستی
تا زمینه را برای برخورد به روزیونیسم، در هنرمین
جا و هماینگ، در متن مینا ززه طبقاتی حادی که سنا
پوست و گوشمان آتش‌گذا زان را احساس می‌کنیم و
سرعت در حال پیشرفت است فراموش و ریم، هسند ف
بررسی هنری است که حزب توده "مبلغ آنست و بویژه
بررسی آشاری که در رور نامه "مردم" نجاب رسیده است.
در مدت ۱۵ ماهی که از رشیدن صدای سوت توطئه
آمیزا رهای می‌جذب نموده، در شرایط سیاسی انقلاب
نیمه تمام خلق ما میگذرد، در زمینه هنر همچون دیگر
زمینه‌های فعالیت اجتماعی با رها مینا ززه شده است
که آن با مینا ززه مرکز ای به مسموم کردن آکا هی
نوده‌ها و بویژه طبقه کارگر برداشته اند.

هنری که در این مدت آنرا اراده‌ده است،
دیر زمانی است که روزیونیسم در هنر، علیه لنینیسم
در هنر بیخاسته است. ادبیات و همه اشواغ ریشه‌های هنر
را، آنجا که بر سلطه روزیونیسم مینا ززه، بر سلطه
ایدئولوژیک سوسیالیسم، زیر سلطه
"حزب برادر" قرار گرفته است ملاحظه کنید، ورق
به ورق، تصویر به تصویر، واژه به واژه، انشکاسی
روحیات ایده‌ها، خواستها، اهداف و ادراکات
زیبایی شناسانه روزیونیستی را در آنها خواهید
یافت. دیر زمانی است که تمام ما رکمیستهای سراسر
جهان بی برده‌اند هنری که در روسیه را نه میشود،
تبلیغ میگردند و آنرا رسماً به تنهائی می‌بعل می‌آید،
هنری نیست که در خدمت مینا ززه طبقاتی پرولتاریا،
در خدمت دیگرگون کردن روحیات و طرز تفکری که سنا
بورژوازی، در خدمت دیکتاتور پرولتاریا قرار
گرفته باشد. در آن راه هنری وابسته به آنان به دستاورد-
های لنینیستی به عنوان ادراکات خشک اندیشانه و
"دگم" لغت فرستاده میشود، آنان به تبلیغ بشر-
دوستی ما و راه طبقاتی میپردازند، آنان با کینه
به درک ما رکمیست - لنینیستی از حقایق اجتماعی
از معنای واقعی جنگ و صلح، عشق و نفرت و خوشبختی
و تره روزی در قالب طبقاتی، روی بر میتابند و بسود
با زکشت به طبیعت خالی "انسانی" علیه مینا ززه
طبقاتی بر می‌خیزند، آنان برای آنکه هر چه سریعتر
"کمبود" های ما را که در این زمینه در دفع نمایند
خار به خرج مبلغ کلان و فراخواندن فیلمسازان
لیبرالی چون کورسا و میثوند تا در فیلمی چون
"روسا زولا" ما "واحش" طبیعت نهان انسانی را
در آورد و بجای تصویر "انسان" در متن نبرد طبقاتی،
به مدیحه سرایی و روابط اسرار آمیز و علقه‌های ما و راه
طبقاتی انسان و طبیعت در جا مده طبقاتی بپردازد.
آنان ا همیستی جنون آمیز به ستایش احساسات
بورژوازی، دلنگی و تنهائی بورژوازی و انفسراد
منشی می‌دهند (۱)
فیلمساز روزیونیست "جوخاری" که مطبوعات
روسیه به او لقب ستایش آمیز "مبارزا اسیدیا دیرای
انسان دوستی" داده اند در در مینا ززه و نوشته‌های بی-
تبحر، کینه و نفرت خویش را نسبت به ران لیسیم
سوسیالیستی، بطور قبحانه و بی‌دودن برده‌پوشی اعلام
میکنند و به هنردوران لنین و استالین داغ "دگما تیسوم"
و "تعصب" و "ضد هنری بودن" میزند. بدون آنکه بنیاد
آورده لیترین نمونه‌های آفرینش هنری، در آنجا
زمانی خلق شده‌اند که هنر دیکتاتور پرولتاریا زیر
ضربت کشته‌دها قرار نگرفته بود، هنرمندان ما تمام
حاشان ما رکمیست بودند و ما رکمیست‌ها با تمام
قوانین از هنر آشتی نا پذیر ما رکمیستی محافظت
میگردند. زمانی که لنینیسم در هنر حاکم بود، حزب
کمونیست بود، برچشم سرخ "رژمانا و سوتکمین" سوا فرشته
میشد، "در زمین نوآباد" گولاکیها را زنده می‌کند،
"دن آرام"، سرچاری بود و در "آرتا ما تنها" زوال و
انحطاط طبقات ترسیم می‌گشت... آری، جوخاری فراموش
میکنند علیرغم کف زدنهای ناما به بورژوازی برای
او، هنر "نبرد و ستانه" دوران سلطه روزیونیسم، هنر
بی "تعصب" دوران سوسیالیسم را مینا ززه تنهائی نگه

جاودان باد خاطره پیشمرگه شهید کاک عبدالکریم شربتبی

ای مرغیای طوفان!
برواز تا ن بلند
آرامش گلونه سربسی را
در خون خویش
استگونه عاشقانه پذیرفتید
استگونه مهربان.
(م. سرشک)



گرامی باد خاطره معلم و پیشمرگه شهید رفیق نجم الدین شیخی

"ما از مرگ نمیبهراسیم، همچون
برنجزارهای "جه هوا" هر سال
درومیشوم، اما سال بعد بر
بارترومی روئیم."
"هوئی مبین"



با رادیکرگردستان قهرمان، این دژسربلند
خلقیهای ایران، آماج حملات وحشیانه ارتش ضد
خلقی و پاداران ارتجاع قرار گرفته است. رژیم
جمهوری اسلامی درحالیکه با گلوله ها و خمپاره های
آمریکائی خلق رزمنده کرد را هدف قرار داده، در
سوقهای تبلیغاتی با بیشرمی تمام دعا میکنند که
گویا برعلیه امیربالیسم آمریکا مبارزه می نماید،
اما اینار نیز همچنان که سال قبل، خلق کرد مصمم
است برای حفظ دستاوردهای فیا مواد ما انقلاب
نیمه تمام خلقهای ایران استوار و نزلزل ناپذیر
مقاومت کرده و دشمن را شکست دهد. به یکی از شاعران
های این خلق قهرمان که روز شنبه ۵۹/۲/۱۳ ضمن
نظارهائی در محله ها و اطراف بنکته های شهر سنج
فریاد می کردند توجه کنید:

"هر خانه ما یک سنگری، هر دستمان مصلی،
هر قلبمان نارنجکی، اگر همه کشته شویم، خلق سلاح
نمی شوم."
و اینک خلق کرد با چنین روحیه ای دوشادوش
پیشمرگان قهرمانش شجاعانه می رزمند و حمله
می آورند و در این راه چه بسیار پیشمرگه ها و رزمندگان
گامی که با نثار خون خود، برچم جنبش مقاومت خلق
کرد را برافراشته به پیش میبرند. رفیق کریم شربتبی
یکی از این قهرمانان است. او در صف پیشمرگان
"بیکار" در جنبش مقاومت خلق کرد فعالانه شرکت
کرد و سرانجام در تاریخ ۵۹/۲/۶ در حالیکه بهینا پیش
پیشمرگانی که جهت پاک کردن ساختمان استانداری
از مزدوران بیشری میگردند، در حرکت بود، به
شهادت رسید.

کاک عبدالکریم شربتبی در سال ۱۳۳۴ در شهر با نه
منولند. دوران دبیرستان را با کلاس ۱۱ در همین
شهر گذراند و آنجا از هنرستان مخدرات شهران
دبلیوم گرفت و به استخدا م شرکت مخدرات درآمد.
رفیق شربتبی اگر چه از خانواده مرفعی بود، اما
دوران تحصیل کار میکرد و به بنظر طریق از نزدیک
در دورن زحمتکشان آشنا میشد. این آشنائی در
جهت بخشدن به شرکت او در مبارزه با نیروهای
کدشته بود.

وی در زندگی مبارزانش ابتدا با احزاب
دمکرات همکار میگردید اما بعد مشی چریکی را
پذیرفت و در چارچوب آن علیه رژیم وابسته شاه خا شن
مبارزه برداشت. در جریان فیا مبارزات بهین ما ه
همراه مردم قهرمان ایران در تصرف ساواک سلطنت
آمد. با دکان عشرت آباد دو کانسری ۶ فعالان

سحرگاه ۱۱ اردیبهشت، یعنی اول ماه مه، روز
جن خونین کارگران جهان، یکی از پیشمرگه های قهرمان
سازمان بیکار در حین انجام یک ما موریت سازمانی
خون خود را به پیشگاه طبعه کارگرو زحمتکشان ایران
تقدیم کرد.

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده
فقیر و تنگدست در روستای "مولان آباد" دیده به
جهان گشود. فقر، بی چیزی و تنگدستی از جمله
شرایطی بود که رفیق در آن بزرگ شد. با وجودیکه
وضع مالی خانواده اش بسیار بد بود اما پدرش اصرار
داشت که جم به مدرسه برود و او در حالیکه به مدرسه
میرفت جویانی نیز می نمود. پس از پایان دوره
ابتدائی، کاک نجمه برای ادامه تحصیل راهی
شهر سنج شد، دورانی که رفیق در این شهر بود، در
شکل گیری نظر فکری و نقش بسزائی داشت و در اینجا
بود که با مسائل جامعه طبقاتی آشنائی یافت و راه
مبارزه با ریشه ها و علل آنها را برگزید.

در جریان او جگری مبارزات توده ها رفیق در
حرکتهای جمعی نظیر تظاهرات، اعتصابات و تحصن
ها فعالانه شرکت میکرد. پس از قیام شکوه مند
سهم ما کاک نجمه بعنوان یکی از اعضای فعال
جمعیت طرفدار زحمتکشان سقز به باغی وظایف
انقلابی اش ادامه داد. وی همچنین بعنوان یکی از
عنا صریح تلاش اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات

شرکت جست. در ۲۸ مرداد سال قبل، هنگام عبور ش
وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان جزوا و لسن
کمانی بود که از تهران به کردستان رفت و در سازمان
دهی تظاهرات مردم مبارز سنج علیه رژیم شرکت
نمود. وی همچنین مدتی در کوههای اطراف سا نه در
جنگ مقاومت، به مبارزه پرداخت.

آشنائی بیشتر رفیق شربتبی با زندگی کارگران
وزحمتکشان او را با انحرافات مشی چریکی آشنا
ساخت. بهین دلیل در ساستان ۵۸ ضمن آشناسدن
با نخطه نظرات سازمان بیکار، با ایمان
ایدئولوژی طبقه کارگر، خط مشی چریکی وارد کرد.
و در با شیز ۵۸ با حوزه سنج سازمان تمان برقرار
نمود. صداقت انقلابی، ناپستی، کارائی و...
رفیق سبب شد که سرعت از سطح یک هوادار به کاندید
عصا و رندا، با بند.

او با ملسی برای عشق به توده ها، آئی از بسا
نمی استند، با وجودیکه در اداره مخدرات کار

دهقانی منطقه تیله کوه و تا زه آبا دوبا غچه له
فعالانه شرکت داشت.

بدنالش بورش وحشیانه رژیم ضد خلقی جمهور ی
اسلامی به کردستان (در مرداد ماه سال گذشته) رفیق
نجم الدین در جریان مقاومت قهرمانان مردم دلاور
سقز شجاعانه جنگید و از منافع زحمتکشان در مقابل
امپریالیسم و ارتجاع دفاع نمود. بعد از آن بسا
توجه به علاقه شدیدی که نسبت به کار توده ای انقلابی
داشت، مجلسی را انتخاب نمود و در ادامه کارش
معلم "خا پوره ده" روستائی که قبلا رفیق شهید انور
ما جدی معلم آن بود گردید.

با وجودیکه مدت کمی کاک نجمه در ده مشغول کار
بود، اما روستائیان علاقه زیادی به او پیدا کرده
بودند. آنها به وی می گفتند: "شواجی خالی کاک
انور را برای ما برگردای."

در جریان بورش مجدد ارتش و پاداران به
کردستان، رفیق شیخی بعنوان پیشمرگه سازمان
بیکار، فعالانه به صف جنبش مقاومت خلق کرد پیوست
و در یک ما موریت شبا به جهت کمک رساندن به
پیشمرگان مستقر در سقز، از آنجا که با توجه به
وحشیگری های ارتش ضد خلقی ناچار بودند چراغهای
ما شینشان را روشن نکنند، با ما شین رفتاری فدائی
تصادف نموده و طی این تصادف او یکی از رفقهای
فدائی بنام رضا خلیفه زاده به شهادت رسیدند.

گرامی باد یاد همه شهیدای بخون خفته خلق

میکرد و چندین مسئولیت تشکیلاتی به عهده داشت. در
نگیهای شهر سنج به شرکت می جست. رفیق در
هر فرصتی برای مردم سنج سخنرانیهای بسیار
ماندنی ایراد میکرد و زبان ساده و موثکافانه از
واقعیات زندگی، از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی
از نظام سقز به داری وابسته، از ریشه های املسی
فقر و فلاکت زحمتکشان، و از مبارزه طبقاتی برای
آنها سخن می گفت.

رفیق به لحاظ شرکت فعالش در تشکیل بنکته ها
در محله های فقیرنشین، نویزه بنکته حاجی آباد،
نوانسته بود در قلب مردم زحمتکش این محلات جای
امنی بدست آورد. بطوریکه پس از شتار خیرشهادتش
مردم محله حاجی آباد تا زه آبا دوبا اوسرود ای
شهیدان را میخواندند.

او را را و با زحمت و با وفا می گفت: "از هر طرفی
کمی توانیم بدرای پیشبرد آگاهی توده ها سا

نصفه در صفحه ۱۹

اخبار و مسائل جهانی



اخباری از مبارزات کارگران و زحمتکشان جهان در اول ماه مه

آلبانی

بنا سبب روز جهانی کارگردان اول ماه مه اما روز هرتسوکوی در جمهوری توده ای سوسیالیستی آلبانی نیز برگزار گردید. طبقه کارگران توده ای خلق اول ماه مه را جشن گرفتند تا پیروزیهای سوسیالیسم و رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور را براساس برنامهای پنجساله به نمایش بگذارند. آنان جشن گرفتند تا بگویند که اگر آلبانی مستقل است و توده های آن از دموکراسی توده ای برخوردارند و اگر تنها آهنگ رشد اقتصادی آلبانی در سال گذشته در زمینه صنعتی ۱۰/۸ و در زمینه کشاورزی ۱۸/۸ بوده است، این امر نتیجه برقراری سوسیالیسم است. آنان جشن گرفتند تا بگویند که علیرغم محاصره، تهدید و فشارهای امپریالیسم آمریکا، سوسیالیسم امپریالیسم شوروی، چین، رومانیست و تمام ارتجاع جهانی مصما نه در راه ما ختمان سوسیالیسم پیش میروند. آنان جشن گرفتند تا بکنند دیگر همبستگی انترناسیونالیستی خود را با کارگران و زحمتکشان جهان به نمایش بگذارند.

آمریکا

در اول ماه مه زحمتکشان آمریکا طی علیرغم اینکه نظرات براساس قانون ارتجاعی "حفظ نظم" ممنوع شده بود، در بسیاری از شهرها به راهپیمایی اعتراضی پرداختند. در این نظرات زحمتکشان که در زیر فشارها را تا غارتگری ناشدنی طرح در خواستهای خود برداشتند، به علاوه در بسیاری از نقاط این حرکات اعتراضی و میتینگها به درگیری با نیروهای پلیس امپریالیستی انجام میدادند و از کارگران دستگیر شدند.

ژاپن

در ژاپن بنا سبب اول ماه مه، ۶ میلیون نفر در نظرات اعتراضی شرکت کردند و در ۱۱۲۲ شهر و منطقه نظرات، راهپیمایی و میتینگهایی ترتیب داده شد. ۵۰ هزار نفر در میتینگ "در تپارک نیوی" (U.I.D) در توکیو شرکت کردند و سخنرانان در اعتراض به افزایش هزینه های زندگی، بیکاری و تورم و غیره که سبب فقر و آرزوی برداشتن کارگران و زحمتکشان است سخن گفتند.

انگلستان

روز اول ماه مه در لندن هزاران نفر شرکت کردند و خیابانهای لندن به راهپیمایی پرداختند و راهپیمایی برگزار نمودند. راهپیمایان در اعتراض به دولت پیسوروازی خواهان قطع برنامه های ستروا و موتکهای جدید امریکایی در انگلستان، کاهش هزینه های نظامی و کاهش هزینه های زندگی بودند.

فرانسه

در اول ماه مه در شهرهای مختلف فرانسه نظرات و میتینگهای گوناگونی برگزار شد. در بسیاری از کارگران و سایر توده ها نظرات بزرگی برپا کردند.

آنان که زیر فشار و ستم بورژوازی امپریالیستی هستند، خواستار بهبود شرایط زندگی بودند و همچنین علیه بیکاری، تورم، افزایش قیمتها، اعتراض کردند. مناسبات آنها از آنجا که سندیکا رومانیست (C.G.T) (وا بسته به حزب رومانیست ژورنال رشد) و سندیکا رومانیست C.F.E.T در میان کارگران نفوذ زیادی دارند، این امر مانع از آن میشود تا طبقه کارگر به مبارزه خود مقمونی انقلابی - سوسیالیستی بپردازد، و خود را برای انقلاب سوسیالیستی آماده نماید.

افغانستان

اول ماه مه هزاران تن در کابل به خیابانها سرازیدند و نظرات وسیعی توسط دانشجویان کابل سازمان داده شد. نظرات هرکنندگان ضمن راهپیمایی خود علیه امپریالیسم و ارتجاعیون و دفاع از آزادیهای طبقه کارگر شعار میدادند. هم چنین اعتراض خود نسبت به اشغال نظامی افغانستان را با شعار "اشغالگران شوروی برگردید به خانه خود" "ما حتی اگر یک افغانی زنده ما ندانیم مبارزه خواهیم کرد" و... بیان می داشتند.

نیروهای اشغالگر شوروی با تانک و خودرو و نیروی هوایی علیه نظرات هرکنندگان اقدام کردند. در این نظرات ۵۷ نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. در همین حال دستجات اشغالگر ۴۰۰ تن از نظرات هرکنندگان را دستگیر کردند. در شهرهای دیگر افغانستان نیز نظرات مشابهی برپا شد که توسط نیروهای دولتی مسود و خلع افغان و نیروهای انگلیسی آن علیه کلیه دشمنان خود سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و رومانیسم و بسته "ببرک کارمل" و نیز علیه امپریالیسم آمریکا و نیروهای ارتجاعی و فئودالی وابسته به آن مبارزه خود را پیروزی دادند و خواهند داد.

ترکیه

در مناسبت قبول نظرات عظیمی به مناسبت اول ماه مه برگزار شد و این نظرات در شرایطی برپا شد که جشن روز کارگر در ترکیه ممنوع اعلام شده است. رژیم ارتجاعی ترکیه با استفاده از پلیس و نیروهای سرکوبگر فاشیستی خود سعی در جلوگیری از این نظرات کردند که منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای از نظرات هرکنندگان شد.

برزیل

بنا سبب اول ماه مه در "ساووپولو" برزیل ۴۰۰۰ فلرکارا عتصامی و بسیاری از زحمتکشان تهرها میتینگ برگزار نمودند و با طرح خواست خود یعنی برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار و مخالفت با دیکتاتوری نظامی، راهپیمایی خود را به نمایش گذاشتند. شرکت کنندگان در میتینگ فریاد میزدند: "آزادی - آزادی" و "ما بودا دهقان". در بیان میتینگ شرکت کنندگان در خیابانها نظرات گسترده ای برپا نمودند. مبارزات کارگران قهرمان فلرکارا در حدود یک ماه

و نیم است که تحت شرایط دیکتاتوری نظامی ادامه دارد. رژیم برزیل که برود آمریکا است بگویند با افزایش خونت مدا انقلابی، با غارتگری و دستکشان اتمام با اشغال سندیکای اتمام با کنندگان و دستگیر نمودن عده زیادی از کارگران این مبارزه دلبران را در هم شکست. بعنوان نمونه در ۱۱ اردیبهشت ماه پلیس یک موج حمله وحشیانه دست زد که منجر به زخمی شدن ۷۰ کارگر و دستگیری دهها نفر گردید. ولی کارگران همچنان می رزمند.

بقیه از صفحه ۱۲

جامعه ما ...

جریان خود بخودی مبارزه طبیعتاً می تواند شکلی مختلف به اشکال گوناگون پیدا کند و مورد بهره برداریهای مختلف قرار بگیرد. حرکات خود بخودی این خود غیرمشکل میتواند به دامین تفاهای فرعی و سیاسی کاذب که ارتجاع به آن دامین زند، فرو افتد و با سرور درگیری های زودرس، در پیوندهای مختلف مبارزه را با غت گردد.

عملکرد مجموعه شرایط فوق، جامعه را بطور احتیاط با پذیرش سوی یک بحران داخلی و کمبیتگی اجتماعی و با ویژگی تند تند جنگ داخلی، سوق خواهد داد. مبارزه طبقاتی و در طی یک دورانی تا بدین حدان طولانی از مسیری پیچ و خم اما در نهایت خواهد گذرد. جنگی که در آن بطور احتیاط با پذیرش جنبه های ازنده های مردم در برابر هم صف قرار خواهد گرفت. مبارزه واقعی طبقاتی، بر سر استراتژی جنگ داخلی رخ خواهد نمود و از دور آن فرا خواهد روید. اینکه این دوره چند طول بکشد و چه مراحل را از سر بگذراند و اینکه این جنگ داخلی با چه شدت و وضعیتی درگیر شود از هم اکنون قابل پیش بینی نیست. اما یک چیز را میتوان پیش بینی نمود آن اینکه اگر حطت بحران کنونی بر سر شرایط ویژه جامعه است، این آنچنان است که یک جنگ داخلی و برادرگشی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. همین حطت و ویژگی بحران و شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه با جنبه های میگذرد که این جنگ داخلی در زمان معینی به یک مبارزه طبقاتی و ملی شما را به مبارزه علیه تمام نیروهای ارتجاعی تبدیل خواهد کرد. این جنگ داخلی بر سر بحران کنونی نمیتواند مدت زیادی دوام آورد و چرا که در طی همین جنگ روند قطب بندی جامعه و تقارن ارتجاع آنچنان سرعت خواهد گرفت که برود نفی خویش را در دوران خود خواهد برد و در خط فاصل نیز خواهد درگیر در مبارزه با خط فاصل جنبه انقلاب و ضد انقلاب منطبق خواهد کرد.

ما در شماره آینده برپا به این تحلیل در مورد نقش و وظیفه نیروهای انقلابی و بخصوص انقلابیون کمونیست را در چنین وضعیتی چند کلامی سخن خواهیم گفت.



بقیه از صفحه ۱

یورش...

است، با زهم بیشتر و مقاومت خلق کردار ایران نگیخته و با زهم بیشتر دشمنان خلق کردار که دشمنان همسه خلقهای ایران هستند، زسوا ساخته است. آنچه در این روزها در کردستان مشاهده میشود، درست همان چیزی است که در روزهای قیام در تهران و اکثر شهرهای ایران دیده میشد، همبستگی عمیق بین مردم سنگربندی در مقابل با سداران و ارتش فسد خلقی، کمک بیدریغ به پیشمرگه‌های قهرمان، تلاش بیدریغ برای نجات مجروحان و... علاوه بر این، برگزاری تظاهرات علیه جلادان خلق کرد، پذیرش آوارگان شهری در آغوش گرم خانواده‌های روستا نشی و... همه و همه تنها از یک چیز کما کما در آستان نمایش قدرت لایزال خلق و روستایی با زهم بیشتر و خلق [سراسری آنچه امروز در کردستان می گذرد، هیچگاه از خا طره مردم ما بیرون نخواهد رفت! درآینده همه خلقها خواهند گفت که رژیم جمهوری اسلامی شهرها را با تمامی سکنه و بیروجران به خمیا ره گلوله بیست و حتی سیماران نمود! کاری که حتی رژیم شاه نیز نکرد! و خلق کرده دلانه مقاومت کردند آنچه که با زهم ارتجاع را به شکست و عقب نشینی واداشت!

تاکتیک های سیاسی - نظامی
یورش جدید به کردستان

در تنها جا خیره رشتت حاکمه تلاش کرده است تا از تجربه شکست دهمه قبل خویش و تمامی شجاریه میر-یا لیستی فرماندهان ارتش و سیماران شاهنشاهی چون فلاخی (که در وقتنا دوره دیده است) و تیمسار با قری (جلاد عشایر فارس در زمان شاه) و... بکجا استفاده نماید، و طبیعی است که در اینجای حساب جان خلق مطرح نیست و تنها چیزی که مطرح است بقسول بنی مدر استوارا کما کمیته جمهوری اسلامی بهر قیمت است که این قیمت در واقع خون صدها شهید و هزاران زخمی خلق کردار است که برای رسیدن به آرزوی "سال امنیت" بر سر زمین کردستان می ریزد، و این قیمت در واقع خون هزاران سرباز زود رجه دار و فرمان جزی ارتشی و افرادی است که با سداران است که نا آگما - ها به تقریبی مطامع و خواسته های بورژوازی ایران می شوند.

رژیم به این با سداران و سربازان و وعده بهشت می دهد تا آنها با قتل و کشتار خلق کردجهنم و قسمی برای این خلق دلاورا بجا دما یند!

اما تاکتیک های اساسی که رژیم در جریان یورش اخیر بر کار می برد شرح زیر است:

۱- هیئت حاکمه تلاش می کند با بزرگ نمودن و غیرقابل حل معرفی کردن اختلافات ایران و عراق بپناه تبلیغاتی و سیاسی عوام فریبانه ای بسرای کشتار خلق کردینتر است. رژیم که قصد داشت در "سال امنیت" بهر قیمت که شده جنبش کردستان را سرکوب نماید، از همان آغاز فروردین ماه برای به اجزا درآوردن بیرونا مه خود دست به نقل و انتقالات نظامی زد و بدینمه که در اولین روزهای بهار با جمع "قلانان" را آفرید و در مقابل در دره قاسملوبادان کشته های سیمار مجبور به عقب نشینی گشت. این بیرونا مه ها که با بپناه "مانور نظامی" صورت می گرفت، بلافاصله پس از اوج درگیری های ایران و عراق شکل جدید عوام فریبانه ای بخود گرفت، ارتش اعلام کرد که "استقرار در مرزهای عراق از آن نواحی است که

خلق کردار که مترازا بپناه است. رژیم عراق هیچگاه نمی خواهد مرزهای کردستان را نیرو مستقر نماید چرا که نواحی مرزی در دست مبارزین کرد عراقی است، و اینرا همه کسانیکه اندک آشنائی به وضع کردستان ایران و عراق دارند بدخوبی می دانند. بنا بر این هرگونه ادعای جنبی بر جنگ با عراق در مرزهای کردستان (ایران و عراق) توپخانه ای بیش نیست و بهمین لحاظ بود که با اولین اطلاعیه های فرماندهان جنا پینکار ارتش و سپاه سداران، خلق کرد و تنبیر و های پیشمرگه توپخانه جدید را اقامه کرده و بلافاصله تصمیم به مقاومت و گشتار گرفتند، ارتش که بغرض اگر می خواست در مرزا استقرار یابد نمی توانست از دیگر راه ها خود را به آن برساند، اکنون حدود ۳ هفته است که در اطراف شهرهای سنندج و قزو و میروان و با نه مردم شهرها و روستاها را گلوله باران و بمباران میکند، اما این بپناه "عوام فریبانه یعنی" استقرار ارتش در مرزها و جلوگیری از آن توسط کردها... هنوز برای بسیاری از مردم قابل فهم و درک نیست، بهمین جهت رژیم سعی می کند که تنورا اختلافات خود با عراق را همچنان داغ نگاه دارد، بی دلیل نیست که قطب زاده مرتب هرگونه میا نیگیری برای حسل مسائل ایران و عراق را از دمی کند و چمران این چهره نشان داری آمریکا شی از خط خون بین ایران و عراق صحبت می کند (در تمامه دو هفته پیش) و...

۲- هدف رژیم در تنها جا خیره خویش به کردستان قبل از اینکه یک هدف نظامی باشد، هدفی سیاسی است. بدین معنی که سپاه سداران و ارتش نیروی آتش خود را بر روی مردم شهرهای کردستان، سنندج و قزو... متمرکز کرده اند تا بدین وسیله مردم را به ستوه آورند و حما بیت آنها را از پیشمرگه های خلقی محدود و سلب نمایند. فرماندهان ارتش و چمران که در این مورد تجربه دارند، درست تاکتیک اسرا شیل در جنوب لبنان را بکار برده اند (اسرا شیل در مرزهای خود با جنوب لبنان برای اینکه حما بیت مردم آن نواحی را از چرکیهای قهرمان فلسطین قطع نماید، مدام آن مناطق را گلوله باران و بمباران می کنند). ارتش حتی از به گلوله بستن آخوس های مسافربری توسط هلیکوپتر نیز با شی ن دارد (به خبر روزنامه اطلاعات ۱۶ اردیبهشت مبنی بر شهادت ۱۱ مسافر یک آخوس مسافربری شوه کنید). و این نیز درست همان کاریست که اسرا شیل در جنوب لبنان می کند.

۳- تاکتیک دیگری نیز که ارتش و سپاه سداران بکار می برند در برابر بپناه همان تاکتیک فوق الذکر می باشد، گروگان گیری افرادی و بسردن آنها به دگان ها می باشد. (هدف از این تاکتیک جلوگیری از حملات متقابل پیشمرگه های قهرمان به دگان ها می باشد) این همان چیزیست که فرماندهان جنا پینکار ارتش از آن بنام میانه آوردن مردم به دگان ها سخن می گویند! خبری که حدوده روزی پیش از اردیبهشت - یون مبنی بر پنا هندگی عده ای از مردم سنندج با برچسب "بهدیه دگان" ها پیش شد، در واقع دروغ بی شرمه ای بود. واقعیت این بود که نظامیان جمهوری اسلامی حملات با نگاهافساران و اسرا - آری را بزور به گروگان گرفته و به دگان بودند تا مانع از حملات متقابل پیشمرگه ها به دگان گردند! آری از نظر ارتش ضد خلقی و با سداران ارتجاع خلق کرد گشت دم توب حساب می آید. اما این تمام حقیقت نیست، حقیقت دیگر نیروی لایزال و مقاومت دلبران خلق کردار است.

۴- یورش اخیر بر عکس دهمه قبل سراسری و گسترده می باشد، وعده های دگانه ای ارتش در کردستان که در اطراف شهرها مستقرند، تقریباً در یک زمان گلوله باران شهرها را (سنندج، سقز، میروان و بیانه) را آغا ز نموده اند، و هنوز آغا دامه می دهد، هدف این حملات ضد مردمی که در آن تلاش شده است سپاه با سداران نیز در چپا رچوب سیمتوا مکانات ارتش عمل نماید، درگیری کردن خلق کرد و پیشمرگه های قهرمان در تمام جبهه ها و تقسیم قوای آنها میباشد. هموطنان مبارزان!

همانطور که گفتم خلق کرد در مقابل اس یورش سراسری و کاردستان کتیک های جنا پینکارانه، نظیر گلوله باران و بمباران شهرها و روستاها و گروگان گیری مردم و... با تمام قوا و مقاومت می کند و هرگز حاضر به تسلیم در مقابل دشمنان خود نیست. اما خلق کرد در راه مبارزه با دشمنان خود تنها زبه حما بیت تمامی خلقهای ایران دارد، شکی نیست که این حما بیت نه مطلق بلکه نسبی بوده و به شرایط کنونی و سطح آگاهی توده های بستگی دارد. برای اینکه راجع است جنا پیتی که بدستور هیئت حاکمه و بدست با سداران و ارتش ضد خلقی در کردستان انجام می گیرد و با تمام مکانات افشا گردد. ما هیت تاجا و زکرا نه ضد خلقی این جنگ تحمیلی از طرف رژیموما هیت عا دلانه مقاومت خلق کرد برای توده ها توضیح داده شود. بخصوص در این زمینه رفقای هوادار ما زمان وظیفه دارند تمام حما بیتی را با سداران و ارتش که در ارتش و در بین توده ها بخش نما یند و توضیح سیاسی کردستان را برای توده ها توضیح دهند و حمایت معنوی و مادی آنها را بفتح خلق کرد جلب نمایند.

بقیه از صفحه ۱۷

جاودان...

آنها را مضطرب برقرار نماید و خود در این زمینه بیشتر زبود. جدا قات انقلابی، شایستگی، هوشیاری و جسارت رفیق، توده ها را به شدت جذب خود میکرد. چندی پیش هنگامیکه مردم میروان سنندج بمباران اعتراض به حرکت ستون ارتش در دروازه شهر اجتماع کرده بودند، کاک کریم ضمن سخنرانی برای آنها گفت: ما تنها آخرین قطره خونمان را خواهم جگند و از خلق دلاور کرد دفاع خواهم نمود، به حق که به گفتارشان وفا دار ماند بهنگام شهادت رفیق، یکی از پیشمرگه های قهرمان حزب دمکرات که همسگرا بود، چنان متاثر شده بود که بر رگبار گلوله و خمپاره در کالیکه زوی شریف میگرد سلاح و فشنگهای او را بدست ما زمان رساند. به خون سرخ و به قلب آکنده از عشق به آرمان طیفد کاکر روز حمتکشان سوگند، سلاحی که کاک کریم بدست داشت هرگز به زمین نخواهد آمد. پیشمرگه ها و حمتکشان جان برکف کردستان تا آخرین نفس سلاح - زه ایشان را بسردش خواهند داشت و هرگز اجازه نخواهند داد که خائنین به خلق به دستا وردهای قیام گیسبه خونپسای هزاران شهیدان دست یابند.

خاطر هکاک کریم همچون دیگر قهرمانان شهید زنده است و در با خلق خواهد آمد. یادش را کرامی صدا بر مورا هنر را با عزما ستوارا دامه میدهم.

گرامی ما دبا دهمه شهیدای بخون خفته خلق مرگ بر ما میربا لیم و حامان داخلی آن سرفرا را بدخود مختاری خلقها در چا رچوب ایرانسی مستقل و دمکراتیک

اعدام به جرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان

تشیع جنازه رفیق شهید احمد مؤذن

بعد از غلام خیرتیرا ران دوشن از بهترین فرزندان خلق، مردم ما زرد قول در مقابل منزلت بیگانه و رفیق احمد مؤذن (از مسئولان دانشجویان) با ن هودا زمان با بیکار (اجتماع کرده و جنازهات پیدا دگا روزیم جمهوری اسلامی را نشاء کردند.

چماقداران حزب جمهوری اسلامی که در ابتدا مانع این تجمع میشدند، با بنویستن پیش ازینش مردم به اجتماع کنندگان، کاری از پیش نبرده، محل را ترک کردند.

در تشییع جنازه رفیق مردم ما دادن شعارهای چون، ارتجاع مرگ به شترنگ تو - خون شهیدان ما می جکدا ز جنگ تو، شهیدها لشکری راهت ادا سسه دارت حتی اگر رفت و روز سیرما گلونه با رد، حمله به دانتگاها حمله به انقلاب است، "مؤذن، مؤذن بخون پاکت قسم، راهت ادا مدها رد، حمله به دانتگسا ه نوظله ارتجاع علیه زحمتکشان، سفع امیربا لسم"، این جنازه را محکوم کردند، بعد از رسیدن مقبوف نظا هرکندنگان نه گورستان معصوم آما دودتسبال اختراشی، انشا گرا سه برادر رفیق شهید یکی از رفقای احمد، گوته ای از زندگی ما زراتی اورا با ن نمود و آنگاه جمعیت با گفتن درود گورستان را ترک کردند

مرگ بر تو طلعه گران و غمناقی افکنشان!
بمروز ما دمسا زرات ما انقلابیون!

خواهرم:
بکدره نگراشی و ضعف نشان دادنت خیانت به آرمان زحمتکشان است و یاد داشته باشی انسان برای خودش زندگی نمی کند. مهم نیست که زندگی با مرگش چقدر تنگ است دیگران دارند.
تو با بدنه ما فرادخا نوا ده شعا غه دلسداری داده و فقط عشق و کینه طبقاتی را تبلیغ کنی.
چنانچه هر تو طلعه ای علیه من انجام گیرد در کنار شما انقلابیون به ما زرهنا بیروزی ادا مدها میدادند. سلام گرم را به شما مددستان و رفقا برسان.
بمروز باشی



جرم شوخیست، آری اینست مفهوم رژیم جمهوری اسلامی! اما من در با زجوشی ها و در تمام حرکتها و عملکرد - های اینها آنچه را قاطعا نه و با شجاعت ایستادگی کرده و دفاع نموده ام که هیچ مدرک جزئی حتی نتوانسته اند پیدا کنند.

پدر، فرزند تو همیشه برای مردم و در راه منافع مردم می زده کرده است. همیشه منافع خود را کفایت غذا شده و به منافع مردم فکر کرده ام و الا ن هم فقط مرا بجرم اعتقاد می گذاشتند که من کینه و چه بر عظمت است از اعتقاد ذات خود دفاع کردن و به منافع مردم خیانت نکردن

خالد الان کا ملا خوب و سرخا لپولان اجتماعالا بکباردیگر از ما سوال جواب خواهد کرد من طبق معمول اینها خواهم گفت که هیچ کاری نکرده ام و کمالا نوظله گرانه مرا میا که می کنند، با کثرتا نه دانشجویان با ن زیادی حدوداً ۱۶ نفر شهید و یا پنجمه زخمی و بعد شایع کرده اند که دانشجویان بی مردم شلیک کرده اند. حال آنکه اینها چه نوظله ای علیه تمام انقلابیون ترتیب می دهند، نمی دانم ولی با زهم بیگویی حسی بیگ سطر جرم علیه من ندا رند چون که من همانطور که خود می دانی بعد از حوادث دانتگا به میز تلخف کرده ام. حالا هم هیچ نگراشی ندارم شعا سسه از اعتقادا تدفعا میکنم و نوظله آنها را انشا میکنم.

برسیندهات نشست
زخم عمیق کاری دشمن
اسا

ای سروا بیستاده دنیا فتادی
این رسم توست که ایستاده بمیری
(خسرو گل سرخی)

کارگران! زحمتکشان! مردم مبارزان!
دست نوشته زبیرنا هر رفیق احمد مؤذن است به بدروما درش که در زندان رژیم جمهوری اسلامی نوشته و همانطور که می بینید با خون او بعد از اعداش آغشته و مهر شده است، این بنا نهادن می ده که بر خلاف گفته رژیم جمهوری اسلامی که ادعا می کند، رفقا احمد مؤذن و معصودا نیالی را بجرم مسخره و راهی "مسبیسن کشتا ردا ننگا ه" اعدام کرده است، آنها را نه با طسار ارتجاع جرمی بلکه با طرا اعتقادا نشان، با طسار وفاداریشان به آرمان کارگران و زحمتکشان اعدام کردند.

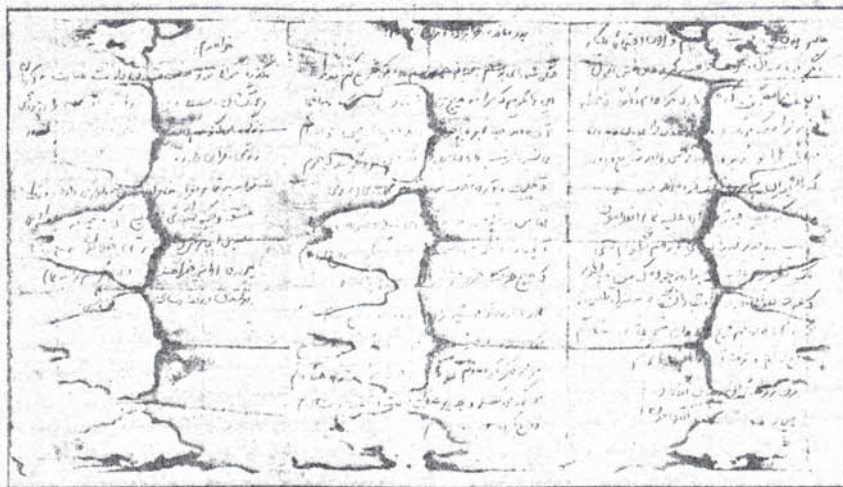
نامه زبر گذشته از آنکه نشان دهنده ایمان و استواری انقلابیون کمونیست به آرمان زحمتکشان است، به ناکر زبونی ارتجاع در مقابل به اندیشه و آرمان آنها هم هست.

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی کوردلان تصور می کنند که با اعدام و کشتا ر انقلابیون کمونیست خوا هند توانست آرمان و راه آنها را که همان آرمان کارگران و زحمتکشان است نابود کنند. اما زهی خیال باطل!
ارتجاع با پیدا ننگه احمد و معصودا بنگا جز شق از زندگی شده اند، آنها اینک جری جا و دان درویش فردا هستند، فردای سرخ، فردای سوسا لیم، از خون احمد و معصودا هزاران کمونیست می روید و بنذر آگاهی از استخما و رستم طبقاتی را تا اقصا نقاط این سرزمین سرخ می براهند!

رفقای شهید معصودا و احمد اولین شهدای کمونیست در رژیم جمهوری اسلامی نبوده و آخرین آن نیستند نخواهند بود. خون این شهیدان تداوم غطر سخی است که با خون تا هر توفیقیا ن، فواد دمطفی سلطان، بهمن عزتی وحسن و شهریا رنا هید، دکتر رشوند سرداری توماج و... ایجاد شده و تا نبودی نظام سرمایه داری و برقراری سوسا لیم همچنان ادامه خواهد یافت. خون این شهیدان اینک با خون شهیدان خلق کرد، ترکمن، عرب، میادان انزلی، بیکاران اند - بمشک و دورود هزاران شهید دیگر در آمیخته است و عاقبت سبیلی خروشان خواهد شد و بستیان امیربا لیم و ارتجاع را در هم خواهد کوبید.

نامه رفیق احمد مؤذن

"پدر، مادر، خواهران، برادران عزیزم:
همگی شما را می بوسم، نمی دانم چه بنویسم و از کجا شروع کنم، فقط اینرا بگویم که مرا هیچ جرمی در خیانت دستگیر کرده و به اینجا آورده اند. چندبار با زجوشی کرده اند و چندبار صحنه های اعدام نمایشی ترتیب داده اند، بدون اینکه حتی بمن بگویند که



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست